

مقدمه

عنوانی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است ضیافت در اسلام می باشد .

واژه ضیافت و مهمان واژه های غریب و نامانوسی برای ما نیستند و همه ما با مهمانی رفتن و مهمانی دادن

آشنایی داریم اما چیزی که در این تحقیق مد نظر بوده است نظر اسلام راجع به ضیافت چیست ؟ و چرا واژه مهمان

رفته رفته برای ما رنگ می بازد و رفت و آمدها روز به روز کمتر می شود ؟

مهمان در تمام اعصار و دوره ها از ارزش و احترام خاصی برخوردار بوده است و تمام افراد نسبت به این

که حرمت مهمان حفظ شود توافق دارند دوره عرب جاهلیت نیز مهمان حرمت زیادی داشته است با ورود اسلام

مهمانی نیز رنگ و بوی اسلامی به خود می گیرد و اسلام عزیز به عنوان دین جامع دستور العمل های کاملی در

این رابطه به ما می دهد اگر به عنوان مسلمان شیوه زندگی کردن مان اسلامی باشد و از بهترین الگو و سرمشق

های که داریم استفاده کنیم خواهیم دید که این امر چقدر برایمان لذت بخش خواهد بود اگر خیلی از ما نظر اسلام

را راجع به ضیافت بدانیم این قدر خود را به تکلف نمی انداختیم و به جای این که خیلی دیر به دیر مهمانی پر

زرق و برقی داشته باشیم مهمانی ساده اما پر از صفا ، صمیمیت و یکدلی خواهیم داشت . مهمانی که در آن نه

مهمان اذیت شود که به فکر جبران باشد و نه میزبان زیر بار زحمت و هزینه های سرسام آور برود راه کار اسلام

بهترین شیوه می باشد نه میزبان بیش از اندازه خود را به تکلف بندازد و نه مهمان توقع بی جا داشته باشد اگر هر

کدام از دو طرف به وظایف خود آشنا باشند چقدر مهمانی ها لذت بخش خواهد بود و می توانیم از هم صحبتی

باهم لذت ببریم .

در این تحقیق سعی کرده ام گوشه ای از وظایف میزبان و مهمان را ذکر کنم و در مورد هر کدام از وظایف حدیثی به فراخور موضوع ذکر کنم. از جمله وظایف میزبان این است که خویشان و افراد متقی و نیز نیازمندان را به منزل خود دعوت کند و در پذیرایی از مهمان رعایت سادگی را کند و در عین حال از چیزی مضایقه نکند، خود به شخصه به مهمان خدمت کند و از مهمان توقع کمک نداشته باشد. تا آنجا که می تواند احترام مهمان را حفظ کند. در هنگام آمدن به استقبال او برود و در هنگام بازگشت او را بدرقه کند.

در مورد وظایف مهمان می توان این موارد را ذکر کرد: مهمان دعوت افراد مومن را بپذیرد و در هر مجلسی که دعوت شد نباید شرکت کند. در هنگام ورود اذن دخول بگیرد و بر میزبان سلام کند. مهمان باید هرگونه گلایه یا تعارف را کنار گذارد، در موقع مقرربه منزل میزبان بیاید و بیش از اندازه هم در منزل او ننشیند و موجبات مزاحمت را برای او فراهم نکند اگر بیش از سه روز در منزل او مهمان شد پس از سه روز مانند یکی از اعضای خانواده خواهد شد و دیگر حکم مهمان را ندارد. مهمان داری آثار دنیوی و اخروی بسیاری دارد از جمله آثار دنیوی آن افزایش رزق و روزی و برکت در زندگی است و موج میشود بسیاری از اخلاقیات ناپسند ما در اثر رفت و آمد بر طرف شود و کلاس عملی احترام و محبت را برای کودکانمان خواهیم داشت از جمله آثار اخروی میتوان به بخشیده شدن گناهان و درخشش صورت در روز قیامت اشاره کرد از کارهایی که میتوان به کار برد تا این سنت حسنه رواج بیشتری پیدا کند رعایت سادگی در مهمانی هاست و اگر حقوق افراد خانواده در مهمانی ها رعایت شود خانواده ها به آمدن مهمان رغبت بیشتری نشان میدهند و امیدوارم توانسته باشم هر چند خیلی محدود حق مطلب را ادا کنم.

تحقیقی که پیش روی شماست شامل پنج بخش است. بخش اول، کلیات تحقیق است در بخش دوم به مفهوم شناسی پرداخته شده در بخش سوم، وظایف مهمان و میزبان را مورد بررسی قرار دادیم در بخش چهارم، آثار دنیوی و اخروی مهمانی را آوردیم و در بخش آخر، راههای ترویج این سنت حسنه بیان شده است.

کلیات

- تعریف و تبیین موضوع
- اهمیت و ضرورت پژوهش
- اهداف و فواید تحقیق
- پیشینه تحقیق
- سوالات تحقیق
- فرضیه تحقیق
- روش تحقیق
- ساختار تحقیق
- واژگان کلیدی تحقیق
- محدودیتها و موانع تحقیق

۱-۱- تعریف و تبیین موضوع

واژه ضیافت از ضیف گرفته شده است که به معنای کجی و انحناست و به معنای این است که مهمان به سوی میزبان میل میکند و به منزل او وارد می شود اسلام به مساله رفت و آمد و انجام صله رحم تاکید فراوانی دارد. این رفت و آمد ها ابعاد گوناگونی دارد گاهی در قالب صله رحم و رفت و آمد با خویشان و بستگان است که تاکید شده به هیچ عنوان قاطع رحم نباشیم و هرچند خیلی مختصر حتی با یک سلام کردن صله رحم را به جا آوریم. رفت و آمد میتواند با دوستان و همکاران در محیط بیرون از منزل باشد اما بعدی که من در این تحقیق بررسی کرده ام مربوط به مهمانی می باشد که دو طرف میزبان و مهمان دارد و پذیرایی هم در این میان می باشد و توضیح داده ام این پذیرایی به چه صورتی باشد و هر کدام یک از طرفین مهمانی چه وظایفی دارند؟ از آنجا که اسلام دین جامعی است هیچ مساله ای را نادیده نگرفته و به زیباترین شکل آداب ضیافت را بیان نموده است امید است با رعایت این اصول مهمانی اسلامی داشته باشیم

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

ضرورت مهمانداری را می توان از احادیث و روایات بسیاری که این امر را مورد تاکید قرار داده اند دریافت کرد. اسلام خانه ای را که مهمان داخل آن نمی شود و هم چنین چنین کسی را که مهمانداری نمی کند و از مهمان فراری است مذمت کرده است. اگر مهمانی ها کاسته شود محبت بین افراد فامیل، دوستان و بستگان خیلی کم تر می شود و از احوال هم با خبر نخواهیم شد یک تماس تلفنی چند دقیقه ای نمی تواند آن لطف و صفایی را داشته باشد که در مهمانی ها داریم. با اجرای مهمانی می توانیم از مشکلات هم با خبر شویم و سعی در بر طرف کردن آنها نماییم با حذف مهمانی ها شانس بهره مندی از تجارب مختلف دیگران را از دست می دهیم و مجبوریم شکست های مختلف در زمینه های مختلف داشته باشیم. همه ما میتوانیم با هر قشر و صنفی رفت و آمد داشته باشیم و از هر

فردی تجربه خاص او را داشته باشیم که قطعاً اگر این رفت و آمد همراه با پذیرایی و در محیط خانوادگی باشد لذت و تاثیرگذاری بیشتری خواهد داشت. کودکانمان در مهمانی‌ها و محیطی که مورد قبول ماست با هم سن و سال‌های خود بازی می‌کنند و رفتار اجتماعی مورد قبول ما را می‌آموزند. با حذف مهمانی‌ها کودکانمان یا به انزوا و گوشه‌گیری عادت می‌کنند یا با کسانی رفت و آمد می‌کنند که مورد تایید ما نمی‌باشند. از این رو پرداختن به موضوع ضیافت از دیدگاه اسلام، جهت رعایت آداب صحیح آن ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۳- اهداف و فواید تحقیق

اهدافی که در این تحقیق مد نظر بوده است را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد

- ۱- بیان انواع مهمانی‌های مورد تاکید اسلام
- ۲- معرفی وظایف میزبان و مهمان طبق آیین اسلام
- ۳- پرداختن به فواید فراوان دنیوی و اخروی مهمانی
- ۴- بیان راههای ترویج مهمانی در دنیای پر مشغله امروز تا با رعایت آداب صحیح مهمانی، رفت و آمدهای اسلامی رایج شده و آثار فراوان دنیوی و اخروی مهمانی شامل مومنان شود.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در زمینه ضیافت کتاب‌هایی که منحصرراً راجع به مهمانی باشد کتاب‌های محدودی را میتوان یافت در دو کتاب مهمان در اسلام و مهمان داری در اسلام از آقای نور مراد محمدی عمدتاً به وظایف میزبان و مهمان اشاره کرده است ولی این که مهمانی چه آثاری دارد یا راههای ترویج آن چیست اشاره‌ای نشده است. در کتاب‌های تفسیری از جمله نور، نمونه، المیزان و..... به بررسی آیات مربوط به مهمانی حضرت ابراهیم (علیه السلام) پرداخته شده است و این که چه مسائلی را باید در باب مهمان رعایت کرد و موارد محدودی را از آن میتوان یافت. کتاب

های اخلاقی عمدتاً مربوط به آداب معاشرت و صلّه رحم بودند که دامنه گسترده تری نسبت به مهمانی دارد. در کتاب‌ها مطالبی که راجع به ترویج مهمان‌نوازی باشد پیدا نکردم که در این زمینه از اینترنت کمک گرفتم.

۱-۵- سوالات تحقیق

سوال اصلی :

۱- نظر اسلام راجع به ضیافت چیست؟

سوالات فرعی :

۱- آداب مهمانی از دیدگاه اسلام چیست؟

۲- مهمان‌نوازی چه آثاری دارد؟

۳- راه‌های ترویج مهمان‌نوازی کدامند؟

۱-۶- فرضیه تحقیق

۱- در اسلام آداب برگزاری بهتر مهمانی آورده شده است.

۲- آثار دنیوی و اخروی فراوانی برای مهمان‌نوازی در اسلام ذکر شده است.

۱-۷- روش تحقیق

در این تحقیق سعی می‌شود با امید به پروردگار با نگرش کشف حقایق بیشتر مسئله و با راهبرد تحلیلی

توصیفی مطالبی عرضه شود راهکاری که در این تحقیق اجرائی می‌شود براساس کتاب خوانی و جمع‌آوری

اطلاعات با تکیه بر منابع و متون دینی صورت می‌گیرد.

۱-۸- ساختار تحقیق

ساختار این تحقیق از پنج بخش تشکیل شده است. بخش اول مربوط به کلیات است که در آن به تعریف و تبیین موضوع، اهداف، ضرورت، پیشینه تحقیق و... اشاره شده است. بخش دوم مفهوم شناسی است که به تعریف لغوی و اصطلاحی ضیافت، تاریخچه و انواع مهمانی اشاره شده است. بخش سوم وظایف میزبان و مهمان را بررسی می کند. بخش چهارم آثار دنیوی و اخروی ضیافت را بیان می کند و در بخش پنجم راههای ترویج مهمان نوازی بررسی شده است.

۱-۹- واژگان کلیدی تحقیق

مهمان: «کسی که به خانه ی کس دیگری برود و در آنجا از او پذیرایی کنند میهمان هم گفته شده»^۱

«کسی که بردیگری وارد میشود و از او با طعام و غیره پذیرایی کنند»^{۲ ۳}

میزبان: «مهماندار، کسی که از مهمانان پذیرایی میکند. میزبان هم گفته شده است»^۴

«کسی که یک یا چندتن را به مهمانی خود دعوت و پذیرایی کند ضیافت کننده مقابل: مهمان و مهمان»^{۵ ۶}

ضيافت: «مهمان شدن، مهمانی، مهمان داری»^{۱ ۲ ۳ ۴}

۱- حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۲، ص ۱۰۱۰

۲- محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر سرایش، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷۷

۳- محمد حسین، تبریزی، فرهنگ فارسی به فارسی مهر، تهران، نشر فراسو گستر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳۲

۴- حسن عمید، همان کتاب، ص ۱۰۱۲

۵- محمد، معین، همان کتاب، ص ۱۰۸۲

۶- محمد حسین، تبریزی، همان کتاب، ص ۱۵۳۸

مهماندار: «کسی که مهمان دارد آن که از مهمان پذیرایی میکند»^{۶۵}

مهمان نواز: «کسی که مهمان را دوست بدارد و از او خوب پذیرایی بکند»^۷

۱-۱۰- محدودیتها و موانع تحقیق

از آن جایی که کتاب هایی که راجع به مهمانی باشد خیلی محدود بودند باید به کتاب های اخلاقی رجوع می شود ، کتاب های بسیاری مورد مطالعه قرار گرفت که بعضا یا مطلبی مربوط به موضوع نداشتند یا گسترده تر از موضوع بودند و در دامنه آداب معاشرت جای می گرفتند .

در این تحقیق سعی بر آن شده که مطالب بیشتری جمع آوری شود تا انشاء الله حق مطلب ادا شود .

^۱-حسن، عمید ، همان کتاب ، ص ۷۰۹

^۲- محمد ، معین ، همان کتاب ، ص ۷۳۵

^۳-آذر نوش ، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی ، تهران ، نشر نی ، ۱۳۷۹، ص ۳۸۹

^۴-خلیل ، جر، فرهنگ لاروس (عربی -فارسی)، ترجمه : حمید طیبیان، ج ۲، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶۵

^۵- حسن ، عمید ، همان کتاب ، ص ۱۰۱۰

^۶- محمد حسین ، تبریزی ، همان کتاب، ص ۱۵۳۲

^۷- حسن ، عمید ، همان کتاب ، ص ۱۰۱۰

^۸- محمد حسین ، تبریزی ، همان کتاب، ص ۱۵۳۲

بخش دوم:

مفهوم شناسی

– تعریف لغوی و اصطلاحی

– تاریخچه

– انواع مهمانی

فصل اول

تعریف لغوی و اصطلاحی

– ضیافت

– صلہ رحم

۲-۱- تعریف لغوی و اصطلاحی

۲-۱-۱- تعریف ضیافت در لغت و اصطلاح

اصل ضیف به معنی کجی و انحنی است (کمان گونه). .

ضفت الی کذا و اضفت کذا الی کذا؛ به آن متمایل شدم و آن را به سویش میل دادم. ضیف یا مهمان کسی

است که به تو متوجه می شود و روی می کند و بر تو فرود می آید .

واژه ضیافت معمولاً درباره مهمانی است اصل ضیف مصدر است لذا در مفرد و جمع مساوی است و

بیشتر در گفت و گو جمع بسته می شود و می گویند: اضیاف و ضیوف و ضیفان .

گفته می شود : استضفت فلانا فاضافنی؛ از او یاری و پناه خواستم و انجام داد

«و قد ضفه ضیفا فانا ضائف و ضیف ؛ او را مهمان کردم^۱»

«علت تسمیه مهمان به ضیف آن است که به طرف انسان میل می کند و به منزل او وارد می شود

۳ .

ضیافت : مهمان شدن ، مهمانی ، مهماننداری

ضیف : مهمان ، اضیاف و ضیوف و ضیفان

ضیوف: جمع ضیف^۴ ۵

۲-۱-۲- تعریف صله رحم در لغت و اصطلاح

«صله رحم از دو واژه ی صله و رحم تشکیل شده است که معنای لغوی صله به معنای پیوستن

بوده و پیوند کردن دو چیز را می گویند^۶»

«صله در لغت به معنای احسان و دوستی آمده است .^۱»

^۱ - ابوالقاسم حسین بن محمدبن فضل ، راغب اصفهانی ، مفردات ، جلد دوم ، چاپ چهارم ، قم: چاپ ستاره ، ۱۳۸۷، ص ۴۶۹ .

^۲ - محمدبن مکرم ، ابن منظور ، لسان العرب ، جلد ۲، بیروت : دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع ، ۱۴۱۴ق، ص ۵۶۰ .

^۳ - علی اکبر ، قرشی ، قاموس قرآن ، جلد ۴، تهران: دارالکتب اسلامیه ۲۰۳، ۱۳۷۱ .

^۴ - حسن ، عمید ، فرهنگ فارسی عمید ، تهران : انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۶۲ ، ص ۷۰۹ .

^۵ - مسعود ، جبران ، الرائد ، ترجمه : رضا انزابی نژاد ، جلد ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی ، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰۹ .

^۶ - علی اکبر ، دهخدا ، لغت نامه ، جلد ۷، چاپ اول ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۶۷، ص ۱۰۵۱۹ .

«صله در لغت به معنای احسان و هدیه است ^۱»

«رحم در لغت و عرف به معنای نزدیکان و بستگان است . ^۲»

«رحم در اصل به معنای محل نشو و نمای جنین در شکم مادران می باشد همان عضو داخلی که خدای عزوجل در باطن زنان قرار داده تا نطفه در آن تربیت شده و فرزندی تمام عیار گردد این معنای اصلی کلمه رحم است ولی بعدها به عنوان استعاره و به علاقه طرف و مطروف ، در معنای قرابت و خویشاوندی استعمال شد چون خویشاوندان همه در این که از یک رحم خارج شده اند و مشترک اند پس کلمه رحم به معنای نزدیک و ارحام، به معنای نزدیکان انسان است . ^۳»

«معنای لغوی رحم به جای کودک در شکم مادر را گویند . ^۴»

«رحم در اصطلاح فقه نیز براساس قول بعضی از فقها همان معنای لغوی است یعنی مطلق نزدیکان و بستگان ، البته با این قید که نسبی باشند نه سببی ، چه مذکر باشند و چه مونث ، جزء ورثه باشند یا نه ، محرم باشند یا نه ، مسلمان باشند یا کافر ، از طرف پدر باشند یا مادر یا هر دو ، البته لازم است که از نظر نسبی بسیار دور نباشند تا مردم آنها را از اقوام و ارحام شخص بدانند و گرنه باید گفت همه انسان ها از اقربا و بستگان هم هستند براساس این نظر میزان و معیار در تمامی این موارد عرف است ^۵ در کنار این قول بعضی از علماء، رحم را اقوامی می دانند که در طبقات ارث قرار می گیرند که شامل تمام فرزندان و حتی نوه های خاله ، دایی، عمه و عمو می شود . ^۶»

^۱ - حسن ، عمید، همان کتاب ، ص ۷۰۲

^۲ - لوئیس ، معطوف ، المنجد ، ترجمه : ابراهیم محدث ، بخش صله ، عطیه و احسان و جائزه ، چاپ اول ، قم : انتشارات دارالعلم ، ۱۳۸۲، ص ۴۳۳

^۳ - لوئیس ، معطوف ، ذو رحم ای ذوقرابه ، ص ۲۵۳

^۴ - محمد حسین ، طباطبائی ، تفسیر المیزان ، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی جلد ۴، چاپ سوم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۳۷۴، ص ۲۲۰ .

^۵ - علی اکبر ، دهخدا ، همان کتاب ، ج ۱۴ ، ص ۲۰۵۷۲ .

^۶ - محمدفاضل ، لنکرانی ، جامع المسائل ، جلد ۱، قم: امیرالمومنین ، ۱۳۸۰ ، ص ۴۹۴

^۷ - جواد ، تبریزی ، صراط النجاه ، ج ۱، قم : دارالصدیقه الشهیده (سلام الله علیها) ، بی تا ، ص ۴۳۳ .

«واژه رحم استعاره برای قرابت و خویشاوندی است چرا که آنها از یک رحم متولد شده اند و مراد از رحم یعنی نسبت

شناخته شده بین آن دو وجود داشته باشد هر چند نسبت دوری باهم داشته باشند.^۱»

«در اصلاح صله رحم، محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان است»^۲ در اصطلاح «صله رحم، به معنای برقراری

ارتباط همراه با محبت و لطف است که مقابل آن دوری کردن و قطع می باشد بنابراین صله رحم رسیدگی، احسان، خیر گیری و

مانند آن نسبت به نزدیکان است که در مقابل آن قطع رحم است.^۳»

«معنای اصطلاحی صله رحم اتحاد خویشاوندان و اقوام و دیدار خویشان است»^۴

۲-۲- تاریخچه

مهماننداری و مهمان نوازی یکی از صفات برجسته هر خانواده، شهر و یا کشور است، وقتی کسی می

خواهد از خوبی های شخص یاد کند می گوید: آدم مهمان نوازی است یا می گوید: مردم فلان شهر، آدم های

مهمان دوستی هستند و از مهمان، خوب پذیرایی می کنند، مهمان نوازی از سجایای برجسته اخلاقی است و ملت

هایی که بهره بیشتری از این سجیه اخلاقی دارند به آن مباحات و افتخار می کنند. یکی از صفات برجسته بت

پرستان زمان جاهلیت که اسلام نیز آن را تایید کرده و زبانزد خاص و عام بوده و هست، مهمان دوستی و مهمان

نوازی آنها بوده است، حتی بعضی از طوایف عرب شب ها آتش در صحرا روشن می کردند تا اگر غریبه ای وارد

^۱- علی، نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۴، تهران: قسم الدراسات الاسلامیه فی موسسه البعثه، ۱۴۱۰ه.ق، ص ۱۱۲

^۲- علی اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۱۴، ص ۲۰۵۷۲.

^۳- لوئیس، معطوف، همان کتاب، بخش صله، عطیه و احسان و جائزه، ص ۲۵۳

^۴- علی اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۷، ص ۱۰۵۱۹.

منطقه شان شد آتش را ببیند و به مهمانی آن ها برود . اعراب به افرادی که زیاد برای آنها مهمان می آمد صفاتی را نسبت می دادند مثلا می گفتند «فلانی کثیر الرماد است» یعنی خاکستر خانه اش زیاد است کنایه از این که چون مهمانش زیاد است ، پخت و پز بسیار دارد و در نتیجه خاکستر خانه اش زیاد است یا می گفتند : فلانی حیاط خانه اش در ندارد ، کنایه از این که چون مهمان زیاد به خانه اش رفت و آمد می کند ، گویا برای رفاه حال مهمانان برای خانه اش در نگذاشته است از این قبیل اوصاف هنوز هم در بین آنها مرسوم است .

«مهمان داری عمل کردن به وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد ، وصیت های پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دو گونه است : یکی از سفارش های خصوصی است که شامل حال دیگران نمی شود و فقط منحصر به موضوع معینی است و دیگر وصیت هایی که جنبه عمومی دارد که شامل حال تمامی ، مومنان است و همه باید به آن وصایا عمل کنند تا در دنیا و آخرت سعادت مند گردند . یکی از مواردی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وصیت کرده و جنبه عمومی دارد ، مهمانداری است که بارها حضرت علی و فاطمه را در جاهای مختلف به آن سفارش کرده است.^۱»

یکی از وصیت های پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) این بود که: «تو را وصیت می کنم به خوب همسایه داری و اکرام کردن مهمان و پذیرایی از آنها^۲»

از گزارش های قرآنی بر می آید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای ابلاغ دعوت و رسالت خویش ، ضیافتی تشکیل می دهد و خویشاوندان خود را به مهمانی فرا می خواند و در آن ضیافت به ابلاغ رسالت و دعوت خود اقدام می کند .

^۱ - نورمراد ، محمدی ، مهمان در اسلام، قم : مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، بی تا، ص ۴۵

^۲ - محمد باقر، مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۷۴ ، تهران : دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۲، ص ۴۱۱، ح ۲۲۰ .

«زلیخا به هدف معرفی یوسف (علیه السلام) و اثبات زیبایی آن حضرت و پاسخ گویی به نجویها و شایعات در جامعه ، اقدام به برگزاری ضیافت نیم روزی می کند و آن حضرت (علیه السلام) را در جلسه زنانه خود می آورد تا دیگران از زیبایی او متحیر شوند و علت گرایش و خیانت خود را بدین وسیله توجیه کند .^۱»

«فرشتگان نیز برای دادن بشارت حضرت ابراهیم (علیه السلام) به عنوان مهمان بر آن حضرت وارد می شوند تا در شرایط مناسبی بشارت خاص فرزند دار شدن را به آن حضرت بدهند .^۲»

«همین فرشتگان به عنوان انذار به قوم لوط و بشارت به آن حضرت جهت خلاصی از امت فاسق و فاجر و کافر به عنوان مهمان بر آن حضرت وارد می شوند .^۳»

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) بارها و یا بر طبق گزارشی تاریخی ، همانند حضرت ابراهیم (علیه السلام) هر روزه مهمانی برگزار می کرد این مهمانی ها به قصد ایجاد ارتباط عاطفی بود تا آموزه های وحیانی را به گوش مردم برساند و آنان را با احکام و آموزه های اسلامی آشنا سازد .^۴»

^۱-یوسف (۱۲) ، آیه ۳۱ .

^۲-ذاریات (۵۱)، آیه ۲۴-۲۹ .

^۳-هود (۱۱)، آیه ۸۱ ؛ حجر (۱۵)، آیه ۵۸-۶۸ .

^۴-احزاب (۳۳) ، آیه ۵۳ .

۲-۳- ضرورت

ضرورت مهمانداری را می توان از احادیث و روایات بسیاری که این امر را مورد تاکید قرار داده اند دریافت کرد . اسلام خانه ای را که مهمان داخل آن نمی شود و هم چنین چنین کسی را که مهمانداری نمی کند و از مهمان فراری است مذمت کرده است .

رسول الله (صلی الله علیه و آله): « كُلُّ بَيْتٍ لَّا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ لَّا يَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ

پیامبر (صلی الله علیه و آله): هر خانه ای که مهمان به آن وارد نشود ، فرشتگان واردش نمی شوند.»^۱

ملائکه مایه رحمت الهی هستند و با ورود آنها نعمت نیز وارد می شود پس هر خانه ای که ملائکه در آن

نمی آیند ، نعمت و برکت نیز از آن خانه برداشته می شود .

^۱ - تاج الدین محمد بن محمد الشعیری ، الشعیری ، جامع الاخبار، چاپ اول ، قم : آل البيت ، ۱۴۱۴ق، ۱۰۵۸/۳۷۸ .

الامام علی (علیه السلام): «لَمَّا رَأَى حُزِينًا فَسَلَّ عَنْ عِلَّتِهِ : لَسَبِعَ آتَتْ لَمْ يَضِفِ إِلَيْنَا ضَيْفٍ

روزی امام علی (علیه السلام) را غمگین یافتند علت را جویا شدند . فرمود: چون هفت روز است مهمانی بر ما وارد

نشده است.»^۱

رسول الله (صلى الله عليه و آله): «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ

هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی دارد»^۲

الامام الصادق (علیه السلام): «المَكَارِمُ عَشْرٌ ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلتَكُنْ... إِقْرَاءُ الضَّيْفِ

امام صادق (علیه السلام): مکارم اخلاق ده تاست ، اگر توانی آنها را داشته باشی چنان باش مهمان نوازی»^۳

^۱-محمد باقر ، مجلسی ، همان کتاب ، ۱/۲۸/۴۱ .

^۲- تاج الدین محمد بن محمد الشعیری ، الشعیری ، همان کتاب ، ۱۰۵۳/۳۷۷ .

^۳- محمد ابن علی ، ابن بابویه (صدوق) ، خصال ، چاپ دوم ، قم : انتشارات جامعه مدرسین ، ۱۴۰۳ ، ۱۱/۴۳۱ .

۲-۴- انواع مهمانی

مهمانی هایی که داریم انواع مختلف دارد که به مناسبت های مختلف برگزار می شود برگزاری مهمانی حتما نیاز به دلیل خاصی ندارد و به موارد خاصی محدود نمی شود. در اینجا انواع مهمانی را به دو بخش مهمانی روا که مورد تاکید اسلام است و مهمانی ناروا تقسیم می کنیم .

۲-۴-۱- مهمانی روا

۲-۴-۱-۱- مهمانی در عروسی

یکی از جاهایی که سفارش شده است دیگران را به مهمانی دعوت کنیم ، هنگام عروسی و ازدواج است .
ائمہ اطهار علیہم السلام خود به این سنت الهی عمل می کردند و در مهمانی هایی که هنگام عروسی برگزار می شد ، شرکت می کردند .

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«بدان که مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح (ازدواج) سنت است»^۱

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«طعام دادن در وقت تزویج از سنت پیغمبران است»^۲

به غذایی که در عروسی داده می شود ، « ولیمه » می گویند. ولیمه یکی از سنت های حسنه پیامبران است ، که سزاوار است مؤمنان مخصوصا فقرا را برای خوردن غذا دعوت کنند. بر مؤمنان نیز لازم و مستحب مؤکد است دعوت را بپذیرند ، هر چند روزه مستحبی گرفته باشند. ولیمه حد و اندازه ای ندارد ، بلکه همین که اسم ولیمه بر آن صدق کند ، از حیث کمیت و کیفیت کافی است .

۲-۴-۱-۲- مهمانی دادن هنگام بازگشت از حج و سفر

یکی از مواردی که مهمانی دادن مستحب است ، هنگام بازگشت از سفر پر فیض و برکت حج و خانه خدا است. بر مؤمنان لازم است به شکرانه این نعمت بزرگ که نصیب آنها شده است ، در راه خدا صدقه بدهند و فقرا و مؤمنان را به مهمانی دعوت کنند و آنها را طعام دهند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«ولیمه دادن در پنج چیز است: عروسی ، تولد فرزند ، ختنه کردن اولاد ، خرید خانه و بازگشت از سفر حج»^۳

۲-۴-۱-۳- اطعام برای ساختن خانه

از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است:

«یکی از سعادت های مرد در دنیا این است که خانه وسیعی داشته باشد.»

وقتی این نعمت بزرگ نصیب کسی شد ، مستحب است ولیمه بدهد و مؤمنان را به طعام دعوت کند.

^۱ - محمد باقر ، مجلسی ، حلیه المتقین ، قم: انتشارات باقرالعلوم ، ۱۳۷۰، ص ۶۹ .

^۲ - همان .

^۳ - مدنی تبریزی ، یوسف ، منهاج الاحکام ، ج ۱ ، قم: انتشارات ایت الله مدنی تبریزی ، ۱۳۸۷ ، ص ۱۳ .

امام جعفر صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«کسی که خانه ای را برای خود بسازد و گوسفند چاقی را قربانی کند و از گوشت آن به بینوایان اطعام دهد و بگوید:

اللَّهُمَّ أَدْحِرْ عَنِّي مَرَدَّهُ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَبَارِكْ لِي فِي بَنَائِي؛ پروردگارا! دیوان متمرّد و آدمیان نافرمان و

شیاطین را از من دور ساز و این خانه را بر من مبارک گردان.»^۱

آنچه خواسته است بدو عنایت می شود.

۲-۴-۱-۴-۲- اطعام هنگام تولد فرزند و ختنه اولاد

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

«ولیمه در چهارچیز است: عروسی و هنگام تولد فرزند که برای او عقیقه می کنند و به مردم طعام می دهند و هنگام

ختنه کردن فرزند و هنگام بازگشت از سفر.»^۲

۲-۴-۲- مهمانی ناروا

۲-۴-۲-۱- پذیرفتن دعوت افراد گناهکار و فاسق

پذیرفتن دعوت افراد فاسق یعنی رضایت دادن به اعمال ناشایست آنها و شریک جرم آنها بودن، لذا در

دستورهای دینی ما آمده است دعوت فاسق را نپذیریم و خود را از آنها دور بداریم.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«غذای افراد فاسق و گناهکار را نخور[به مهمانی آنها نرو].»^۳

و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید:

«خداوند مرا از زاد و توشه مشرکان و منافقان و همچنین از خوردن غذای آنها نهی کرده است.»^۱

^۱- محمد ابن علی، ابن بابویه، (صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تهران ۱۴۰۲ ق، ص ۴۱۲.

^۲- محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۸۷، ح ۳.

^۳- حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ دوم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰، ص ۴۶۶.

این در صورتی است که شرکت مؤمن در مهمانی فاسق موجب جرات پیدا کردن فاسق بر گناه باشد ، اما اگر شرکت در مهمانی او موجب شود دیگران دست از گناه بکشند و با وجود شخص مؤمن کسی جرات گناه پیدا نکند ، در این صورت بر افراد مؤمن لازم است در مهمانی شرکت کنند و به این وسیله آنها را نهی از منکر کنند ، همان طور که پیامبر اکرم وائمه اطهارعلیهم السلام در مجالس فساق شرکت می کردند و در حین مهمانی مردم را امر به معروف و نهی از منکر می نمودند.

۲-۲-۴-۲- شرکت نکردن در مهمانی های لهو و لعب

بعضی از مهمانی ها فقط برای خوشگذرانی و لهو و لعب ، رقص و پایکوبی است و هیچ گونه قصد قربتی در کار نیست. در این طور مهمانی ها - هرچند ممکن است به عنوان قربت آن را ترتیب داده باشند - اما چون در آن مجلس مخالفت اوامر الهی می شود و گناه انجام می گیرد ، مؤمنان حق ندارند شرکت کنند. گوش دادن به موسیقی مطرب هرچند که در حین عروسی و مراسم شادی باشد ، حرام است. خوردن غذای حرام و شبهه ناک حرام است ، غذا خوردن در مکان و ظرف غصبی حرام است و مؤمنان باید خود را از این طور مجالس دور نگه دارند.

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«سزاوار نیست مؤمن در مجلسی شرکت کند که گناه در آن می شود و او قدرت تغییر آن مجلس و جلوگیری از آن را

ندارد.»^۲

^۱ - ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد ، البرقی ، المحاسن ، چاپ اول ، قم : اهل بیت ، ۱۴۱۳ ، ص ۴۱۱ .

^۲ - محمد مهدی ، نراقی ، جامع السعادات ، ج ۲ ، بیروت : موسسه الاعلمی للمطبوعات ، بی تا ، ص ۱۵۵ .

بخش سوم :

آداب مهمانی

– وظایف میزبان

– وظایف مهمان

فصل

وظایف میزبان

– دعوت از خویشان و نزدیکان

– دعوت از شیعیان

– سادگی و پرهیز از تکلف

– پرهیز از اسراف و ریا

– حضور نیازمندان

– شکر نعمت

– احترام به مهمان

– پذیرایی خوب

– یاری هنگام به مهمان کردن آمدن

– آماده کردن غذای مورد علاقه مهمان

– غذا خوردن همراه با مهمان

– خدمت کردن به مهمان

– بدرقه مهمان

۳-۱-وظایف میزبان

در فرهنگ دینی ما مهمان حبیب خدا و مایه برکت است . هدیه ای از سوی پروردگار و عامل افزایش رزق و سبب آمرزش گناهان صاحب خانه و سبب نزول رحمت الهی است . این ها همه به جا و درست ، چرا که فرموده ی معصومین و تعالیم مکتب است اما در همین جا «هزار نکته ی باریکتر از مو» وجود دارد که اگر مهمانی رفتن ما سبب زحمت و رنجش صاحب خانه شود و او را به دردسر بیندازد آن وقت چه ؟ بازهم رحمت است ؟ البته همه یکسان نیستند و روحیه ها متفاوت است . بعضی ها آمادگی پذیرش مهمان ندارند . برخی از وضع مالی مناسبی برای مهمان نوازی و خرج ضیافت برخوردار نیستند . بعضی از نظر جا و منزل و امکانات پذیرایی آبرومندانه از مهمان در مضیقه و فشارند . بعضی اشتغالاتی دارند که مهمانی مزاحم وقت و یا کارشان است . این جاست که خود مهمان باید مراعات حال طرف را بکند ، انتظار بیش از حد نداشته باشد ، بی خبر و بی دعوت نرود ، دیر وقت و نابهنگام بر سر صاحب منزل فرود نیاید و او را به تکلف و زحمت نیفکند ، هر جا میزبان گفت بنشینند و از صاحب خانه اطاعت کند .

در مهمانی اگر آداب و سنن اسلامی مراعات شود ، دیگر مهمان ، اسباب زحمت و بار خاطر نخواهد شد ، بلکه مایه ی برکت و سبب خوشحالی خواهد بود و از همین جاست که به مساله تکلف بر می خوریم که پیامدهای بدی دارد و مایه ی تلخکامی هایی در زندگی است . در مثل های زیبای فارسی است که : «رسیده ، رسیده خورد» یا این که : مهمان ، « هر که باشد ، در خانه هر چه باشد »^۱

^۱ - علی اکبر ، دهخدا ، امثال و حکم دهخدا ، ج ۴، تهران : انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۸۳، کلمه مهمان ، ص ۱۰۵۲۳.

چیزی به نام «حفظ آبرو» یا «حیثیت» برای برخی چنان تکلف آور است که برای آن خود را به زحمت های بسیار دچار می کنند و به هر قیمتی شده از مهمان پذیرایی می کنند مبادا که آبروی شان برود. البته توقعات نا به جای برخی مهمانان هم در این مساله دخالت دارد.

این گونه مهمان که میزبان را به تکلف و زحمت می افکند نه تنها رحمت نیست که شوم است. اگر میان مردم و خویشاوندان صفا و صداقت و صمیمیت باشد و مهمانی از راه برسد و دیر وقت یا نابهنگام باشد باید به هر چه که هست قناعت کند. نه مهمان توقع زیادی داشته باشد و نه صاحب خانه خود را به دردمرست بیفکند در این صورت دوستی ها و رفت و آمدها تداوم می یابد.

اما رفت و آمدهای هزینه ساز و خرج تراش و تکلف آور، سبب کاهش دید و بازدیدها و مهمانی ها و موجب قطع رابطه ها یا کاهش و سردی آن ها می گردد. مهمانی اسلامی آدابی دارد که در صورت رعایت کردن این آداب مهمانی رفتن و مهمانی دادن لذت بخش خواهد بود. که این آداب را به صورت زیر بیان مینمایم.

۳-۱-۱- دعوت از خویشان و نزدیکان

صله رحم یکی از دستورهای دین اسلام است. هر مؤمنی وظیفه دارد بافامیل خود رفت و آمد کند و با آنها قطع رابطه ننماید، زیرا قطع صله رحم جزو محرمات است که خداوند تبارک و تعالی به قطع کننده صله رحم وعده عذاب داده است. یکی از مواردی که نزدیکان اولویت دارند، دعوت به مهمانی است. انسان باید اول فامیل های خود را - چه سببی و چه نسبی - دعوت کند، بعدنوبت به افراد دیگر می رسد. این کار موجب رضایت خداوند عزیز می گردد و نیز آدمی به وظیفه انسانی خود که دعوت به مهمانی است، عمل کرده است. البته در بین فامیل اولویت با کسانی است که متدین تر باشند، اگر کسی فامیلی دارد که متدین نیست، حق ندارد اول او را دعوت کند، بلکه باید ابتدا مؤمنان و برادران دینی خود را دعوت کند و بعد نوبت به آن شخص می رسد.

۳-۱-۲- دعوت از شیعیان

«دعوت از مومنین برای ضیافت سنتی ریشه دار و سیره ای رایج نزد پیشوایان ، بزرگان و عالمان است بنابراین سزاوار است ارزش این سنت بیش از گذشته حفظ شود . مهم آن است که دعوت ها به قشر و طبقه خاصی تعلق نداشته باشد و نیازمندان و انسان های پرهیزکار و شریف در لیست دعوت ها وارد شوند . مومنین در دعوت دیگران برای ضیافت خود باید معیارها و ضوابط دینی را که مهمترین آن ها از نظر اسلام تقوی است را در نظر بگیرند بنابراین شایسته است که از پرهیزکاران و افراد با ایمان دعوت به عمل آید و از دعوت افراد فاسق باید پرهیز شود هم چنین دعوت فاسق را برای حضور در مهمانی او نیز نباید اجابت کرد .^۱»

« وَ لَا تَأْكُلُ إِلَّا طَعَامَ تَقِيٍّ وَلَا يَأْكُلُ طَعَامَكَ إِلَّا تَقِيٌّ^۲ »

تنها غذای پرهیزگار را بخور و غذای تو را تنها، پرهیزکار باید بخورد.»

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«اگر من یکی از شیعیان خود را به مهمانی دعوت کنم ، بهتر است در نزدم که افقی از مردم را اطعام کنم.»

راوی می گوید : از حضرت پرسیدم : «افق چقدر است ؟ فرمود : یکصد هزار نفر از مردم.»^۳

در این زمان که تمامی قدرت های شیطانی علیه شیعیان قیام کرده اند و به هر وسیله قصد ضربه زدن به اسلام ناب محمدی را دارند ، بر ما شیعیان لازم است هرچه بیشتر به هم نزدیک شویم ، با هم رفت و آمد داشته باشیم ، تا اتحاد میان ما زیادتر شود و در نتیجه نقشه دشمنان از بین برود. از جمله کارهایی که می شود برای جلوگیری از این گونه تهاجمات به کار گرفت ، مهمانی است. ما با دعوت کردن یکدیگر و به مهمانی رفتن می

^۱ - سازمان مدارس علمیه خارج از کشور ، آداب اسلامی ، ص ۲۱۸ .

^۲ - محمد بن یعقوب ، کلینی رازی ، اصول کافی ، ج ۶، ص ۲۷۶ .

^۳ - محمد باقر ، مجلسی ، همان کتاب ، ج ۳، ص ۸۴ .

توانیم بیشتر با هم انس بگیریم و با بررسی توطئه ها و راه مبارزه با آنها ، جلو آنها را بگیریم و موجب سرفرازی بیشتر اسلام گردیم .

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«با کسی جز مؤمن مصاحبت نکن و کسی را جز افراد متقی به غذایت دعوت ننما»^۱

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«کسی که او را به خاطر خدا دوست داری ، به مهمانی دعوت کن»^۲

مراد از برادران دینی تمام مسلمانان است ؛ اعم از شیعه و سنی ، اگر چه دعوت شیعیان اولویت دارد .

از جمله وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر این است:

«غذایت را به کسی بخوران که او را به خاطر خدا دوست داری ، و غذای کسی را بخور که تو را برای خدا دوست

دارد»^۳

۳-۱-۳- سادگی و پرهیز از تکلف

رسول الله (صلی الله علیه و آله) : « لا تَكَلَّفُوا لِضَيْفٍ

پیامبر (صلی الله علیه و آله) : برای مهمان خود را به زحمت نیندازید»^۴

رسول الله (صلی الله علیه و آله): « لا يَتَكَلَّفَنَّ أَحَدٌ لِضَيْفِهِ مَا لَا يَقْدِرُ؛

هیچ کس نباید بیش از توانش خود را برای مهمان به زحمت اندازد»^۱

^۱ - محمد باقر ، مجلسی ، همان کتاب ، ج ۳، ص ۸۴ .

^۲ - علاء الدین علی بن حسام الدین ، هندی ، کنز العمال ، چاپ اول ، بیروت : موسسه رسالت، ۱۹۷۹م، ح ۲۵۸۸۱ .

^۳ - محمد باقر ، مجلسی ، همان کتاب ، ج ۳، ص ۸۵ .

^۴ - علاء الدین علی بن حسام الدین ، هندی ، همان کتاب ، ۲۵۸۷۵ .

الامام الرضا (عليه السلام): «أَنَّ دَعَاةَ رَجُلٍ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَجَبْتُكَ عَلَيَّ أَنْ تَضْمَنَ لِي ثَلَاثَ خِصَالٍ قَالَ وَ مَا هِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا تُدْخِلْ عَلَيَّ شَيْئًا مِنْ خَارِجٍ وَلَا تَدْخِرْ عَنِّي شَيْئًا فِي الْبَيْتِ وَلَا تُجْحِفَ بِالْعِيَالِ قَالَ ذَاكَ لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَجَابَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

مردی امیر المؤمنین علیه السلام را به مهمانی دعوت کرد . حضرت فرمودند : می پذیرم به شرط این که سه قول به من بدهی . عرض کرد : چه قولی ای امیر المؤمنین؟ فرمودند : از بیرون چیزی برای من تهیه نکنی ، حاضری خانه ات را از من دریغ نمایی و به زن و فرزندان اجحاف نکنی. عرض کرد : قبول می کنم ای امیر المؤمنین . پس علی بن ابی طالب علیه السلام دعوت او را پذیرفتند.»^۲

«اسلام توصیه می کند که پذیرایی ها ساده باشد و یک خط جالب عادلانه در میان مهمان و میزبان ترسیم کرده است و آن این است که : میزبان از آنچه دارد مضایقه نکند و مهمان نیز بیش از آن را انتظار نداشته باشد .^۳»
و این توصیه اسلام را به خوبی در احادیث پیامبر و ائمه و اصحاب ایشان می توان یافت که نمونه هائی از آن را ذکر می نمایم .

از پیامبر نقل شده است که فرمودند : «إِنَّ تَتَكَلَّفُ لِلضَّيْفِ مَا لَيْسَ عِنْدَنَا وَإِنَّ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ مَا حَضَرْنَا

برای مهمان نسبت به آنچه نداریم تکلف نکنیم و آنچه موجود است مضایقه نکنیم .^۴»

روش مسلمان را باید از حضرت «سلمان» آموخت که اهل قناعت و ساده زیستی بود . از این رو سلمان

فارسی در فضیلت ها و ارزش ها از اهل بیت به شمار می آمد نقل خاطره ای از سلمان مناسب این بحث است .

^۱ - همان ، ۲۵۸۷۶ .

^۲ - محمد بن علی ، ابن بابویه ، عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ترجمه : حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری ، تهران : نشر صدوق ، ۱۳۷۲ ، ۱۳۸/۴۲/۲ .

^۳ - محمود ، اکبری ، احترام و تکریم ، تهران ، انتشارات اسلامی ، ۱۳۷۸ ، ص ۱۷۹ .

^۴ - محسن ، فیض کاشانی ، محجبه البیضاء ، ج ۳ ، تهران انتشارات جامعه مدرسین قم ، ۱۳۴۰ ، ص ۲۹ .

«یکی از مسلمانان صدر اسلام به نام «ابووائل» می گوید: من به اتفاق دوستم به خانه ی سلمان فارسی رفتیم و مدتی نشستیم هنگام غذا فرا رسید سلمان گفت: اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از تکلف نهی نکرده بود خود را برای شما به زحمت می انداختم سپس برخاست و مقداری نان معمولی و نمک آورد و جلوی مهمانان گذاشت رفیقم گفت: کاش همراه این نمک، مقداری سعترا (آویشن) بود سلمان رفت و ظرف آب خویش را گرو نهاد و کمی آویشن فراهم کرد و سر سفره نهاد وقتی غذا خوردیم دوستم گفت: خدا را شکر که به روزی خدا قانعیم! سلمان گفت: اگر به رزق خدا قانع بودی الان ظرف آب من در گرو نبود.^۱»

سلمان اهل تکلف نبود ولی وقتی مهمان، خواسته ای را بر زبان آورد و تمنای غذا و طعامی داشت، سلمان ناچار شد که برای رضای خاطر مهمان، آن را تامین کند هر چند با رهن گذاشتن وسیله ی زندگی.

۳-۱-۴- پرهیز از اسراف و ریا

هر عمل خیر و شایسته ای، گاهی دچار برخی آفت ها می شود با همه ی ستایشی که از پذیرایی شایسته از مهمان شده، اگر جنبه ی تعادل رعایت نشود و به مرز اسراف و ولخرجی هایی برسد که اغلب، روی چشم و هم چشمی است، یا ریشه در خودنمایی و تفاخر دارد، ناپسند است و همین کار مقلّس و خداپسند، از قداست و محبوبیت نزد خدا می افتد.

اطعام، با همه ی ارزشی که دارد، آنجاست که «فی الله» و «الله» باشد و به قصد سیر کردن شکمی گرسنه یا شاد کردن برادری مؤمن یا تقویت رابطه های خویشاوندی و صله ی رحم باشد.

^۱ -محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، ۲۳/۳۸۴/۲۲.

«گاهی اصل مهمانی دادن، ریاکاری است. گاهی نوع غذا و محلّ اطعام و کیفیت سفره چیدن، تظاهر و خودنمایی است. همه ی این ها نارواست و هدر دادن نعمت های الهی، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس طعامی را از روی ریا و خودنمایی اطعام کند و مهمانی دهد، در روز قیامت، همانند آن را خداوند از طعام های دوزخی به او می خوراند.»^۱

«آنچه بیان شد به معنای تنگ نظری نیست که خود صفتی مذموم است بلکه به این معنا است که باید به اندازه قدرت مالی پذیرایی کرد و قصد ما از پذیرایی ریا کاری و اسراف نباشد حال اگر کسی توانایی داشت باید بهتر از مهمان پذیرایی کند و هر چه در این زمینه مورد بهره برداری درست واقع شود اسراف نخواهد بود.»^۲

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَنْفَقَ عَلَى طَعَامِ أَلْفِ دِرْهَمٍ ، وَأَكَلَ مِنْهُ مُؤْمِنٌ لَمْ يُعَدَّ مُسْرِفًا^۳

اگر غذایی را به هزار درهم تهیه کنی و از آن فقط یک مومن بخورد اسراف نکرده ای مقصود این است که در صورت توانایی ، پذیرایی خوب کردن اسراف محسوب نمی شود .

فخر فروشی در مهمانی ها سبب ریخت و پاش می شود ، دیگران را به این امر تشویق می کند ، آن گاه عده ای هم به خاطر عدم توانایی، از مهمانی صرف نظر می کنند

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«مَنْ صَنَعَ شَيْئًا لِلْمُفَاخِرَةِ حَضَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَسْوَدًا^۴

^۱ - محمد بن حسن، حر عاملی، همان کتاب، ج ۱۶، ص ۴۵۵.

^۲ - آستانه مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها)، ش ۱۲، قم: فرهنگ کوثر، ۱۳۷۶ ه ش، ص ۳۳.

^۳ - حسن بن فضل، طبرسی، همان کتاب، ص ۱۳۵.

^۴ - ابن بابویه محمد ابن علی (صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تهران، ۱۴۰۲ ق، ص ۵۸۲.

هر کس سفره احسانی بچیند و مردم را به مهمانی دعوت کند و نظرش فخر فروشی و نشان دادن شکوهمندی خود

باشد خداوند او را در روز قیامت با روی سیاه در محشر می آورد.»

و همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«هر کس به خاطر ریا و خودنمایی مهمانی بدهد خداوند فردای قیامت از صدید جهنم به او می خوراند و آن غذا در

درون آتش می شود تا زمانیکه قیامت تمام شود.»

۳-۱-۵- حضور نیازمندان

کسی که مهمانی می دهد و مردم را دعوت می کند، اگر کارش فقط به خاطر خدا و جلب رضایت او باشد

، نباید بین فقیر و غنی فرق بگذارد، چون در نزد خدا هیچ فرقی بین فقیر و غنی وجود ندارد. همه در نزد او

برابرنند و ترجیح با کسانی است که با تقواترند. اگر دعوت کردن منحصر به این شد که یا اغنیا را دعوت کند و یا

فقرا را، باید فقرا را ترجیح دهد و آنها را دعوت نماید. ضیافتی که در آن توانگران باشند شکنجه ای است فقیران

بی بضاعت را.

بی گمان یکی از موارد نیکوی اطعام و افطاری دادن کمک به نیازمندان و مستمندان است؛ باید کوشید تا این

هدف مقدس در همه مهمانی‌ها تحقق یابد و مجلس اطعام با حضور محرومان، معنوی و روحانی شود. این مورد

هم از مواردی است که مورد تاکید پیامبر و ائمه می باشد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): **يُكْرَهُ إِجَابَةُ مَنْ يَشْهَدُ وَلِيْمَتَهُ الْأَغْنِيَاءُ دُونَ الْفُقَرَاءِ**^۱

پذیرفتن دعوت کسی که ثروتمندان در دعوت او هستند و فقیران حضور ندارند کراهت دارد

^۱ - قطب راوندی، سعید بن هبه الله، الدعوات للراوندی، بی جا: انتشارات مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷ ه ق، ۳۵۸/۱۴۱

امام علی (علیه السلام) در نامه خود به عثمان بن حنیف، کارگزار خویش در بصره، نوشت: «ای پسر حنیف به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره تو را به مهمانی دعوت کرده و تو با شتاب به آن مجلس رفته ای و خوراک های رنگارنگ و کاسه های بزرگ نوشیدنی در برابرت نهاده اند . گمان نمی کردم تو به مهمانی جماعتی روی که نیازمندان از آنجا رانده شده اند و توانگرانشان دعوت شده اند .^۱»

۳-۱-۶- شکر نعمت

دارایی انسان ها وسیله خوبی برای کسب پاداش های الهی است. در صورت داشتن ثروت کافی می توان با برپایی مراسم مهمانی و اطعام، در خانه را به روی انسان های نیازمند بگشاییم و خدا را به جهت نعمتش شکر گزار باشیم .

امام علی (علیه السلام): «الضیافه من آتاه الله مالا فل یصل به القرباء، ول یحسین منه الضیافه»^۲

هر که خداوند به او ثروتی دهد ، باید با آن به خویشانش رسیدگی کند و مهمانداری کند.»

امام علی (علیه السلام) هنگامی که خانه بزرگ علاء بن زیاد را دید، به او فرمود: «این خانه بزرگ در دنیا به چه کار تو می آید، وقتی در آخرت به آن محتاج تری؟ آری! اگر بخواهی می توانی به وسیله چنین خانه ای به آخرت دست یابی به شرط آن که در این خانه از مهمانی پذیرایی کنی، به خویشاوندانت رسیدگی نمایی و حقوق آنان را ادا کنی. در این صورت، به وسیله این خانه به آخرت دست یافته ای.»^۳

۳-۱-۷- احترام به مهمان

^۱ - نهج البلاغه ، الكتاب ۴۵ .

^۲ - همان ، خطبه ۱۴۲ .

^۳ - نهج البلاغه ، خطبه ، ۲۰۹ .

بی گمان مهمترین گام در مهمان نوازی احترام مهمان است زیرا ضیافت غذا و خوراک ، اگر چه متوجه جسم است ولی پیش از آن که جسم مهمان از غذای مادی و سفره رنگین بهره برد روح و روان مهمان است که از برخورد و تکریم میزبان بهره مند می شود از این رو بر حفظ حرمت مهمان ، با توجه به جایگاه و شخصیت اجتماعی او تاکید شده است و از میزبان خواسته شده از هر گونه بی حرمتی نسبت به مهمان پرهیز کند .

پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله) می فرماید :

« مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ »

هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی دارد.^۱

مهمان نوازی و تکریم و احترام به مهمان از اصول عقلانی و عقلایی بشر است با نگاهی به سیره رفتاری حتی کافران نیز می توان دریافت که آنان به نوعی قائل به تکریم مهمان بودند هر چند که گاه طغیان اموری چون شهوت و خشم ایشان را بر مخالفت با احکام عقلانی و سره عقلانی وادار می سازد .

«وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ

فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ»^۲

«حضرت لوط در این آیه از عنوان ضیف استفاده می کند . آن حضرت از آنها خواست که متعرض مهمانانش نشوند به خاطر هوای نفسش و عصبیت جاهلیت نبود بلکه به خاطر این بود که می خواست مردم از خدا بترسند که اگر می ترسیدند نه متعرض مهمانان او می شدند نه متعرض هیچ کس دیگر ، چون در این نهی از منکر فرقی میان مهمانان او و دیگران نبود و او سالها بود که مردم را از این گناه شنیع نهی می کرد و بر نهی خود اصرار می ورزید و اگر این بار نهی خود را وابسته بر معنای ضیافت کرده و ضیافت را هم به خودش نسبت داده و نتیجه تعرض آنان را رسوایی خود معرفی کرده و گفته : مرا نزد مهمانانم رسوا مسازید همه

^۱ - محمد بن حسن ، حر عاملی ، همان کتاب ، ج ۱۶ ، ص ۴۵۵ .

^۲ - محمد باقر ، مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۷ ، ص ۲۱۶ .

به این امید بوده که شاید صفت فتوت و کرامت را در آنها به حرکت و هیجان درآورد و لذا بعد از این جمله به طریقه استغاثه و طلب یاری متوسل شد و گفت: ایس منکم رجل رشید آیا یک مرد رشد یافته در میان شما نیست؟ تا شاید یک نفر دارای رشد انسانی پیدا شود و آن جناب را یاری نماید و او و مهمانان او را از شر آن مردم ظالم نجات دهد.^۱

«قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ»^۲

«از این که نسبت آوردن را به اهل شهر داده معلوم می شود جمعیت زیادی بوده اند به طوری که می شد گفته شود اهل شهر آمدند. لوط برای دفاع از مهمانان به استقبال جمعیت شتافت تا از نزدیک شدنشان جلوگیری کند وقتی در برابر آنها قرار گرفت فرمود: اینان مهمانان من هستند مرا نزد مهمانانم رسوا مکنید و با آنان عمل زشت انجام ندهید از خدا بترسید و مرا خوار نسازید مهاجمین اهل شهر گفتند: مگر ما قبلا به تو اعلام نکرده بودیم که غریبه ها را منزلت راه مده و اگر احدی از اهل عالم را راه داده دیگر درباره آنها شفاعت نکن و به دفاع از آنان برمخیز، لوط وقتی از انصراف آنها مایوس شد ناگزیر دختران خود را بر آنان عرضه کرد تا با آنها ازدواج کنند و از مهمانانش دست بردارند.^۳»

«از آیات مورد بحث می توان فهمید که توهین و آزار مهمان، اهانت و اذیت به میزبان محسوب می شود، ارزش مهمان نوازی به حدی است که شریف ترین انسان ها بیشترین زجرها را برای آن تحمل می کنند، دفاع از مهمان یک حق انسانی و بی تفاوتی نسبت به او ناجوانمردانه است.^۴»

«احترام به مهمان و دفاع از او در تمام زمان ها یک اصل مهم محسوب می شود اما مردم کوفه حق مهمان را به جا نیاوردند جز بعضی از یاران خاص امام حسین (علیه السلام) از جمله هانی، اگر چه هانی از شهدا کربلا در روز عاشورا نیست ولی از پیشگامان نهضت امام حسین (علیه السلام) می باشد او در سال ۶۰ ه. ق در قیام مسلم بن عقیل نماینده و سفیر امام حسین (علیه السلام) در کوفه، و بیعت هزاران نفر از مردم با مسلم، خانه اش را مقر پنهانی او قرار داد و مسلم را مخفی کرد وقتی ابن زیاد،

^۱ - محمد بن یعقوب، کلینی رازی، اصول کافی، ج ۶، ۲۸۵.

^۲ - هود (۱۱)، آیه ۷۸

^۳ - محمد حسین، طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۷۱.

^۴ - حجر (۱۵)، آیه ۶۸.

متوجه شد و از هانی خواست تا او را تسلیم کند هانی ابتدا انکار ماجرا کرد و چون فهمید جاسوسی در کار بوده و خبر داده به ابن زیاد گفت: مسلم مهمان خانه من است. محال است که مهمانم را به تو تحویل دهم تا او را بکشی و چنین خیانتی را که ننگ آن تا ابد پاک نمی شود مرتکب شوم. عبدالله ابن زیاد چون او را از چهره های موثر و زمینه ساز قیام مسلم ابن عقیل دانست آنقدر با عصا و چوب بر بینی و صورت او زد تا بینی او شکست و خون جاری شد، سرانجام ابن زیاد دستور داد تا او را دستگیر، شکنجه و زندانی کنند.^۱»

۳-۱-۸- پذیرایی خوب

از دیگر آداب میزبانی می توان به تهیه غذای مناسب و خوب برای مهمانان اشاره کرد که در آیات قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است.

« فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ^۲ »

«کلمه عجل به معنای گوساله است و کلمه حنیز بر وزن فعیل - در این جا معنای مفعول یعنی منحوذ را می دهد و گوساله

منحوذ گوساله ای است که گوشتش به وسیله سنگ سرخ شده با آتش کباب شده باشد.^۳»

^۱ - محمد حسین ، طباطبائی ، همان کتاب ، ج ۱۲، ص ۲۷۱ .

^۲ - محسن ، قرائتی ، تفسیر نور ، ج ۵، چاپ پنجم ، قم: انتشارات در راه حق ، ۱۳۷۹ ، ص ۳۶۱ .

^۳ - هود (۱۱) ، آیه ۶۹ .

از جمله آداب مهمان داری این است که غذا را هر چه زودتر برای او آماده کنیم چرا که مهمان وقتی از راه می رسد مخصوصا اگر مسافر باشد غالبا خسته و گرسنه است هم نیاز به غذا دارد و هم نیاز به استراحت . باید زودتر غذای او را آماده کنند تا بتواند استراحت کند .

«ممکن است بعضی خرده گیران بگویند برای چند مهمان یک گوساله بریان زیاد است ولی با توجه به این که اولاد در تعداد این مهمانها که قرآن عددشان را صرحا بیان نکرده گفتگو است بعضی سه و بعضی چهار و بعضی نه و بعضی یازده نفر نوشته اند و از این بیشتر هم احتمال دارد و ثنیا ابراهیم هم پیروان و دوستانی داشت و هم کارکنان و آشنایانی و این معمول است که گاه به هنگام فرا رسیدن مهمان غذایی درست کنند چند برابر نیاز مهمان و همه از آن استفاده کنند .^۱»

«فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ * فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ؟»

عجل به معنی گوساله است این واژه در اصل از ماده عجل به گرفته شده زیرا این حیوان در این سن و سال حرکات عجولانه ای دارد که وقتی بزرگ شد به کلی از میان می رود سمین به معنای فربه است و انتخاب چنین گوساله ای برای احترام به مهمانان و استفاده بیشتر اطرافیان بوده است .

«فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ» ابراهیم شخصا این غذا را برای مهمانان آورد و نزدیک آنها گذارد .

«راغ» به معنی حرکت کردن توام با یک نقشه پنهانی است . چرا ابراهیم چنین کرد ؟ برای این که ممکن بود اگر مهمانان متوجه شوند مانع از چنین پذیرایی پر هزینه ای گردند . اما چرا ابراهیم برای مهمانان محدودی که داشت غذای فراوان و مفصلی تهیه کرد . این به خاطر این است که معمولا اشخاص سخاوتمند هر گاه مهمانی برای آنها فرا رسد تنها به اندازه مهمان غذا تهیه نمی کنند بلکه غذائی تهیه می سازند که علاوه بر مهمانان تمام کسانی که برای آنها کار می کنند در آن شریک و سهم باشند و حتی همسایگان

^۱ - محمد حسین ، طباطبائی ، همان کتاب ، ج ۹، ص ۱۶۹ .

^۲ - ذاریات (۵۱) ، آیه ۲۶-۲۷ .

و نزدیکان و اطرافیان دیگر را هم در نظر می گیرند بنابراین هرگز چنین غذای اضافی اسراف محسوب نمی شود و این معنی امروز هم در میان بسیاری از عشایر و آنهایی که به شکل سنتی سابق زندگی می کنند دیده می شود.^۱»

بسیار می شود که بعضی از افراد خشک، سخاوت و بلند نظری را با اسراف و تبذیر اشتباه می کنند و خست و تنگ نظری را با مساله زهد و پارسایی.

«قرآن در آیات فوق و آیات سوره هود این حقیقت را فاسد بیان کرده که پذیرایی از مهمان به طور گسترده و معقول هرگز مخالف شرع نیست بلکه چون پیامبری همت به چنین کاری زده است دلیل بر محبوبیت آن است ولی البته آن گونه پذیرایی که شعاعش دیگران را هم دربرگیرد آن چنان که رسم افراد شریف و سخاوتمند است خداوند هرگز بهره گیری از مواهب زندگی را تحریم نکرده و داشتن اموال حلالی را همانند ابراهیم که دیگران هم از آن بهره گیرند عیب نشمرده است ابراهیم (علیه السلام) با آن اموال سرشار هرگز از یاد خدا غافل نشد و هیچ وقت دل بستگی اسارت گونه به آن نیافت و در هیچ زمان منافع آن را منحصر خود نساخت.^۲»

این غذای مناسب با توجه به شرایط و زمان مهمانی می تواند متفاوت باشد به این معنی که گاه مهمانی عصرانه و مانند آن است بنابراین لازم نیست تا از مهمانان با غذایی که برای ناهار یا شام تهیه می شود پذیرایی کرد بلکه پذیرایی از مهمان با میوه نیز می تواند انجام گیرد بسیاری از ضیافت های نیم روزی به صرف شیرینی، میوه، چای و مانند آن انجام می گیرد. مهمانی که زلیخا برای دوستان خود جهت معرفی حضرت یوسف (علیه السلام) فراهم آورده بود با پذیرایی از مهمانان با میوه بوده است.

۳-۱-۹- یاری کردن مهمان به هنگام آمدن

^۱ - ناصر، مکارم شیرازی، همان کتاب، ج ۲۲، ص ۳۴۵.

^۲ - همان، ج ۲۲، ص ۳۴۹.

استقبال از مهمان و خوشامدگویی به او یکی از رسوم پسندیده است.

استقبال از مهمان و به پیشواز او رفتن و گرفتن لوازم و اسباب شخصی او و رو به رو شدن با خنده و خوشرویی نوعی امر به معروف است، که مهمان نیز تشویق شود با دیگران همین رفتار را داشته باشد و دیگران را به مهمانی دعوت کند.

هنگامی که مهمان می خواهد مهمانی را ترک کند، میزبان خود را خوشحال نشان ندهد، اما زاد و راحله راه را برای مهمان فراهم آورد و از سوغاتی های محل برای او بخرد و او را برای دفعات بعد نیز به مهمانی دعوت کند و خود نیز به دیدن و مهمانی او برود.

«امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: وقتی برای شما مهمانی رسید، در هنگام ورود، او را در پیاده کردن زاد و توشه اش کمک کنید و وقتی خواست برگردد، به او کمک نکنید، چون این کار از پستی انسان است و زاد و توشه اش را آماده کنید که نوعی سخاوت است»^۱.

حکایت: استقبال و بدرقه عجیب

«اسمعی می گوید: روزی در قبیله ای نزول کردم. در میان بادیه در هنگام وصول، زنان و دختران قبیله پیش آمده و مرحبا گفتند و بار مرا گشوده، به منزل بردند و تا وقتی که در آن قبیله بودم، مرا خدمت می کردند و از پذیرایی هیچ گونه کمبودی احساس نمی کردم.

بعد از سه روز تصمیم گرفتم بروم. خواستم شتر خود را بار کنم، اما چون بارم سنگین بود، به تنهایی نمی توانستم آن را بار کنم. هرچه منتظر و چشم به راه ماندم، هیچ کس به کمک من نیامد.

از این رفتار خیلی ناراحت و در عین حال متعجب بودم. درمانده صدا زدم: شما در وقت آمدن انواع دلداری را تقدیم کردید و اکنون مرا تنها گذاشته، مدد نمی کنید، تا شترم را بار کنم؟! علت این برخورد چیست؟ مگر از من خطایی سرزده است؟

^۱ - محمد بن حسن، حر عاملی، همان کتاب، ج ۲۴، ص ۳۱۶.

یکی از آنها جواب داد: ما قومی هستیم که از ورود مهمان خوشحال می شویم و هنگام آمدن او را خدمت می کنیم، اما چون دوست نداریم مهمان از پیش ما برود و از رفتن او ناراحت می شویم، از این رو در وقت رحیل برای ما عار است او را مدد کنیم.

وقتی این جواب را شنیدم، متعجب شدم و هر طور بود بارم را به تنهایی بر شتر گذاردم و از آنها خداحافظی کردم.^۱

۳-۱-۱۰- آماده کردن غذای مورد علاقه مهمان

از اخلاق نیکوی میزبان این است که از مهمان بپرسد غذای مورد علاقه وی چیست اگر توانست برایش تهیه کند و در غیر این صورت از او عذرخواهی نماید.

پرسش از مهمان این حسن را دارد که اگر غذایی برای او ضرر دارد و یا دکتر او را از خوردن آن منع کرده است تهیه نگردد و در عوض غذایی که باب میل مهمان است یا برای او ضرر ندارد آماده شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله سلم) می فرماید: «کسی که غذای مورد علاقه برادر دینی اش را فراهم کند، مورد آمرزش خدا است و خدا او را مسرور می نماید.»^۲

در آیات قرآن و بعضی از روایات مساله بسیار ظریف تر بررسی شده و حتی تاکید شده است که از مهمان سوال نکنیم که آیا غذا خورده ای؟ یا غذا میل داری؟ زیرا بعضی از مهمانان افراد کم رو و خجالتی هستند به همین دلیل دستور داده شده که سفره غذا را آماده سازیم اگر مایل بودند میل کنند.

چنانکه امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لَا تَقُلْ لِأَخِيكَ إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَكَلْتَ الْيَوْمَ شَيْئًا؟ وَ لَكِنْ قَرِّبْ إِلَيْهِ مَا عِنْدَكَ فَإِنَّ الْجَوَادَ كُلَّ الْجَوَادِ مَنْ بَدَّلَ مَا عِنْدَهُ»^۱

^۱ - مجدالدین محمد، الحسنی، زینه المجالس، چاپ دوم، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۶۲، ص ۵۱۸.

^۲ - نورمراد، محمدی، مهماندار در اسلام، بی جا: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، بی تا، ص ۵۱.

هنگامی که برادرت برتو وارد شود از او سوال نکن آیا امروز غذا خورده ای یا نه ؟ آنچه داری برای او حاضر کن چرا که سخاوتمند واقعی کسی است که از بذل آنچه حاضر دارد مضایقه نکند .

حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز بی آنکه از مهمان بپرسد که چه غذایی میل دارند به تهیه غذایی می پردازد که عموم مردم به خوردن آن گرایش و علاقه دارند .

«جاء بعجل حنید» از مهمان سوال نکنیم آیا غذا میل دارید ؟ آیا غذا خورده اید .^۲

۳-۱-۱۱- غذا خوردن همراه با مهمان

وقتی میزبان عده ای را به منزل خود دعوت می کند ادب حکم می کند که همراه با مهمانان خود غذا بخورد تا آنان نیز احساس راحتی کنند و غذای خود را میل کنند و نیز تاکید شده است که میزبان اولین کسی باشد که به طرف سفره دست می برد و آخرین کسی باشد که از سفره دست بر می دارد تا مهمانان نیز غذای خود را بخورند و کسی گرسنه نماند .

رسول الله : « مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُحِبَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَلْيَأْكُلْ مَعَ ضَيْفِهِ

هر کس دوست دارد که خدا و رسولش او را دوست داشته باشند، با مهمان خود غذا

بخورد.»^۳

رسول الله : « مَنْ أَكَلَ طَعَامَهُ مَعَ ضَيْفِهِ فَلَيْسَ لَهُ حِجَابٌ دُونَ الرَّبِّ

^۱ - محمد باقر ، مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۷۵، ص ۴۵۵ .

^۲ - محسن ، قرائتی ، تفسیر نور ، ج ۵، ص ۳۵۱ .

^۳ - مسعود بن عیسی ، ورام ، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف به مجموعه ورام تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ۱۱۶/۲ .

هر کس غذای خود را با مهمانش بخورد میان او و پروردگار هیچ حجابی نباشد.^۱»

۳-۱-۱۲- خدمت کردن به مهمان

میزبان نباید در امور مربوط به مهمانی یا دیگر کارها از مهمان کار بکشد حتی در برخی از روایات آمده است که خود مهمان بدون آن که از او تقاضایی شده باشد می‌خواست کاری انجام بدهد امام (علیه السلام) مانع می‌شد و خودش را به شخصه به مهمان خدمت می‌کردند.

شب هنگام امام رضا (علیه السلام) با مهمانش گفتگو می‌کرد، ناگهان در بین صحبت چراغ از حالت طبیعی خارج شد، مهمان دست برد تا آن را اصلاح کند، امام رضا (علیه السلام) مانع شد و خود آن حضرت به اصلاح و تنظیم چراغ اقدام کردند و فرمودند:

«إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَخْدِمُ أُضْيَافَنَا؛ ما مردمی هستیم که مهمانان خود را به کار نمی‌گیریم.»^۲

امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «یکی از وظایف میزبان این است که مهمان را به کار نگیرد، به کار گرفتن مهمان جفا و ظلم در حق اوست.»^۳

در حدیث دیگر است: «سه نفرند که احترام کردن آنها بری احدی عیب و نقص نیست و کوچکی شمرده نمی‌شود یکی پدر و مادر، توبه هر درجه رسیده باشی خیال نکن به جایی رسیده ای که بالاتر است از این که به پدر و مادرت خدمت کنی، دیگری مهمان، میزبان هر که می‌خواهد و

^۱ - مسعود بن عیسی، ورام، همان کتاب، ۱۱۶/۲.

^۲ - محمد بن یعقوب، کلینی رازی، اصول کافی، ج ۶، ص ۲۸۵.

^۳ - محمد بن حسن، حر عاملی، همان کتاب، ج ۱۶، ص ۴۵۷، ح ۲.

مهمان هر که می خواهد باشد ، باز خدمت کردن مهمان برای میزبان ننگ و اهانت نیست بلکه کمال است ، پدر و پسری آمدند و مهمان امام علی شدند حضرت خودشان بودند و فرزندشان محمد بن حنیفه ، در آخر غذا آب آوردند برای شستن دست (چون می دانید که سنت است هم در ابتدای غذا دست بشویند هم در انتهای غذا) حضرت خودشان آن آفتابه یا ابریتق و کاسه را - هر چه بوده - گرفتند که دست ان مهمان را بشویند . امتناع کرد که نمی گذارم شما را مثلا - به جان پیغمبر قسم - من را خجالت ندهید فرمودند : نمی شود تو مهمانی و من میزبان ، میزبان وظیفه دارد خدمت بکند این حرف ها (یعنی این تعارف ها) مهمل است . هر چه او امتناع کرد فرمود : نه خود باید دست تو را بشویم . خودش دست آن پدر را شست . نوبت به پسر رسید آب را به محمد بن حنیفه داد و فرمود : تو دست پسر را بشوی . بعد به پسر گفت : اگر پدرت نبود و تو تنها مهمان من بودی دست تو را هم خودم می شستم اما چون پدرت این جا هست به احترام پدرت می گویم دست تو را پسرم بشوید که احترام پدر رعایت شده باشد^۱ »

۳-۱-۱۳- بدرقه مهمان

امیرالمومنین علی (علیه السلام) از پیامبر (صل الله علیه و اله) نقل می کنند که فرمودند:

« مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتُخْرِجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَرِّ »

از حقوق مهمان آن است که او را تا در خانه بدرقه کنی .^۲ »

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

^۱ - مرتضی ، مطهری ، آشنایی با قرآن ، ج ۹، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶-۱۳۸

^۲ - محمد باقر ، مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۷۵، ص ۴۵۱ .

« إِذَا آتَاكَ أَخُوكَ فَأْتِهِ بِمَا عِنْدَكَ وَإِذَا دَعَوْتَهُ فَتَكَلَّفْ لَهُ

خوب است میزبان مهمان را تا در منزل بدرقه کند و ضمن خداحافظی ، از توفیق میزبان بودن اظهار خوشحالی کند و آرزو کند مهمان دوباره به منزل آنها بیاید تا صمیمیت آنها زیاد شود .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید :

«یکی از حقوق مهمان بر میزبان این است که همراه او برود ، تا از منزل خارج گردد.»^۱

^۱ - محمد بن حسن ، حر عاملی ، همان کتاب ، ج ۱۶ ، ص ۴۳۳ .

فصل دوم

وظایف مهمان

- قبول دعوت
- اذن و اجازه گرفتن هنگام ورود به خانه
- سلام کردن
- پرهیز از بهانه گیری
- پرهیز از تعارف
- گلایه نداشتن
- وقت شناسی
- وسعت بخشیدن مجلس
- مکان نشستن
- جلوگیری از نجوا و سخنان در گوشی
- دعا کردن

۳-۲- وظایف مهمان

۳-۲-۱- قبول دعوت

از وظایف مهمان این است که دعوت ، برادر دینی خود را قبول کند و نیز تاکید شده است که بدون دعوت ، مهمان نشود .

« أوصى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ، وَ لَوْ عَلَى خَمْسَةِ أَمْيَالٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ .

به حاضران و غائبان امت خود سفارش می کنم که دعوت مسلمان را، اگر چه از فاصله پنج میل، بپذیرند، زیرا این کار بخشی از دین است»^۱

الامام الصادق (علیه السلام) : « مِنَ الْحُقُوقِ الْوَاجِبَاتِ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَتَهُ .

یکی از حقوق واجب مومن بر مومن ، این است که دعوت او را بپذیرد »^۲

«اگر شما را به مجلسی دعوت نکرده اند ، نروید ، در غیر این صورت اگر با بی اعتنایی روبرو شدید باید خود را سرزنش

کنید در روایتی از پیامبر (صل الله علیه و آله) آمده است : «هشت گروه اگر مورد اهانت قرار گرفتند نباید کسی جز خودشان را ملامت

کنند از آن جمله : « أَلْذَاهِبُ إِلَى مَائِدَةٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهَا ؛ کسی که دعوت به غذا خوردن نشده است بدون دعوت برود . »^۳

الامام الصادق (علیه السلام) : « مَنْ أَكَلَ طَعَامًا لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا أَكَلَ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ ؛ اگر کسی غذایی بخورد که به آن

دعوت نشده است گویا پاره ای از آتش را می خورد . »^۴

^۱ - ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، البرقی ، همان کتاب، ص ۱۷۹/۱۵۰۹ .

^۲ - محمد بن یعقوب ، کلینی رازی ، اصول کافی ، ج ۶، ص ۲۸۳ .

^۳ - محمد باقر ، مجلسی ، حلیه المتقین ، ص ۷۴ .

^۴ - ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، البرقی ، همان کتاب، ص ۱۸۱/۱۵۱۵ .

رسول الله (صل الله عليه و آله) : « إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يَسْتَبِيعَنَّ وَكَدَّهُ؛ فَإِنَّهُ إِنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَرَامًا وَدَخَلَ

عاصياً

هر گاه یکی از شما به مهمانی دعوت شد ، فرزندش را هم به دنبال خود راه نیندازد که اگر چنین کند ، کار حرامی

کرده و با نافرمانی وارد خانه میزبان شده است .^۱ »

در روایات همان گونه که تاکید شده است دعوت برادر دینی خود را بپذیریم از پذیرفتن دعوت فاسق نهی

شده ایم .

رسول الله (صل الله عليه و آله) : « أَبِي اللَّهِ زَادَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ ؛ خداوند ابا دارد که من از توشه و غذای

مشرکان و منافقان استفاده کنم^۲ »

رسول الله (صل الله عليه و آله) : « لِأَبِي ذَرٍّ وَهُوَ يَعِطُّهُ - لَا تَأْكُلُ طَعَامَ الْفَاسِقِينَ ؛ در اندرز به ابوذر فرمود : از غذای

مردمان فاسق تناول مکن .^۳ »

۳-۲-۲- اذن و اجازه گرفتن هنگام ورود به خانه

چگونگی اذن و اجازه گرفتن در هنگام ورود به منزل دیگران در سوره نور آیات ۲۷ و ۲۸ چنین ذکر شده

است :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ

لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

^۱ -همان ، ۱۵۱۱/۱۸۰/۲ .

^۲ -محمد باقر ، مجلسی ، بحار الانوار ، ۳/۸۴/۷۷ .

^۳ -ناصر ، مکارم شیرازی ، همان کتاب ، ج ۱۴ ، ص ۴۲۷-۴۲۸ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل شوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید این برای شما بهتر است باشد که پند گیرید* و اگر کسی را در آن نیافتید پس داخل آن شوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید برگردید که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست»

«جالب این که در این جا جمله «تستانسوا» به کار رفته است نه «تستادنوا» زیرا جمله دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند در حالی که جمله اول از ماده «انس» گرفته شده اجازه ای توام با محبت و لطف و آشنایی و صداقت را می‌رساند و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مودبانه و دوستانه و خالی از هر گونه خشونت باشد بنابراین هر گاه این جمله را بشکافیم بسیاری از آداب مربوط به این بحث در آن خلاصه شده است مفهومی این است فریاد نکشید، در راه محکم نکوبید با عبارات خشک و زننده اجازه نگیرید و به هنگامی که اجازه داده شد بدون سلام وارد نشوید در آیه بعد با جمله دیگری این دستور تکمیل می‌شود: «اگر کسی در آن خانه نیافتید وارد آن نشوید تا به شما اجازه داده شود» ممکن است منظور از این تعبیر آن باشد که گاه در آن خانه کسانی هستند ولی کسی که به شما اذن دهد و صاحب اختیار و صاحب البیت باشد حضور ندارد شما در این صورت حق ورود نخواهید داشت. و یا این که اصلاً کسی در خانه نیست اما ممکن است صاحب خانه در منزل همسایگان و یا نزدیک آن محل باشد و به هنگامی که صدای در زدن و یا صدای شما را بشنود بیاید و اذن ورود دهد در این موقع حق ورود دارید به هر حال آنچه مطرح است این است که بدون اذن داخل نشوید سپس اضافه می‌کند اگر به شما گفته شود باز گردید، این سخن را پذیرا شوید و بازگردید که برای شما بهتر و پاکیزه تر است چه بسا صاحب خانه در حالتی است که از دیدن شما در آن حالت ناراحت میشود و یا وضع او و خانه اش آماده پذیرش مهمان نیست. ^۱ که البته این مورد در مواردی صدق می‌کند که ما قبلاً شخص را دعوت نکرده باشیم بنابراین از این جا می‌توان تفاوت مهمان مدعو و مهمان ناخوانده را فهمید مهمان ناخوانده را در صورتی که شرایط مان مهیا نباشد می‌توانیم نپذیریم. «ارجعوا» نپذیرفتن مهمان ناخوانده جایز است. ^۲»

^۱ - ناصر، مکارم شیرازی، همان کتاب، ج ۱۴، ص ۴۲۹.

^۲ - همان، ج ۸، ص ۱۷۲.

در حدیثی می خوانیم که: «ابوسعید از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه ورود به منزل گرفت در حالی که روبروی در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایستاده بود پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: به هنگام اجازه گرفتن روبروی در نیاست. در روایت دیگری می خوانیم که خود آن حضرت هنگامی که به در خانه کسی می آمد روبروی در نمی ایستاد بلکه در طرف راست یا چپ قرار می گرفت و می فرمود: «السلام علیکم» (و به این وسیله اجازه ورود می گرفت) زیرا آن روز هنوز معمول نشده بود که در برابر در خانه پرده بیاویزند.^۱»

حتی در روایات اسلامی می خوانیم که انسان به هنگامی که می خواهد وارد خانه مادر یا پدر یا حتی وارد خانه فرزند خود شود اجازه بگیرد.

در روایتی آمده است: «که مردی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: آیا به هنگامی که می خواهم وارد خانه مادرم شوم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آری! عرض کرد: مادرم غیر از من خدمتگزاری ندارد باز هم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟ عرض کرد: نه فرمودند: اکنون که چنین است از او اجازه بگیر.^۲»

در روایت دیگری می خوانیم که «پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که میخواست وارد خانه دخترش فاطمه (سلام الله علیها) شود نخست بر در خانه آمد دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد سپس فرمود:

السلام علیکم، فاطمه (سلام الله علیها) پاسخ سلام پدر را داد، بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: اجازه دارم وارد شوم؟ عرض کرد: وارد شوید ای رسول خدا! پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود؟ فاطمه عرض کرد: مقنعه بر سر من نیست، و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت پیامبر

^۱ - ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین، رازی (فخر رازی)، تفسیر فخر رازی، تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص ۱۹۸.

^۲ - عبد بن علی بن جمعه، حویزی، تفسیر نورالثقلین، چاپ اول، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ه ق، ج ۳، ص ۵۸۶.

(صل الله عليه و آله) مجددا سلام کرد فاطمه (سلام الله عليها) جواب داد و مجددا اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از

پاسخ توافقی فاطمه (سلام الله عليها) اجازه ورود برای همراهش جابر بن عبدالله گرفت.^۱ «

« این حدیث به خوبی نشان می دهد که تا چه اندازه پیامبر (صل الله عليه و آله) که یک الگو و سرمشق برای عموم

مسلمانان بود این نکات را دقیقا رعایت می فرمود . حتی در بعضی از روایات می خوانیم سه بار باید اجازه گرفت . اجازه اول را

بشنود و به هنگام اجازه دوم خود را آماده سازند و به هنگام اجازه سوم اگر خواستند اجازه دهند و اگر نتوانستند اجازه ندهند .^۲ «

«حتی بعضی لازم دانسته اند که در میان این سه اجازه فاصله ای باشد چرا که گاه لباس مناسبی بر تن صاحب خانه نیست و

گاه در حالی است که نمی خواهد کسی او را در آن حال ببیند گاه وضع خانه به هم ریخته است و گاه اسراری است که نمی خواهد

دیگری بر اسرار درون خانه اش واقف شود باید به او فرصتی داد تا خود را جمع و جور کند و اگر اجازه نداد بدون کمترین احساس

ناراحتی باید صرف نظر کرد .^۳ «

۳-۲-۳- سلام کردن

پیوندهای اجتماعی ، نیازمند تحکیم است ، استوار سازی این رشته ها با کلی گویی به دست نمی آید باید

نمونه های عملی و مصداق های خاص و روشنی ارائه شود تا مرزهای دوستی و پیوندهای عاطفی استوارتر گردد

و پایدار بماند . سلام و دست دادن یکی از این امور است . سلام اطمینان دادن به طرف مقابل است که هم سلامتی

و تندرستی تو را خواستاریم ، هم از جانب من آسوده باش و مطمئن که گزندگی به تو نخواهد رسید .

^۱ - همان ، ص ۵۸۷ .

^۲ - محمد بن حسن ، حر عاملی ، همان کتاب ، ج ۱۴ ، ص ۱۶۱ .

^۳ - ناصر ، مکارم شیرازی ، ج ۱۴ ، ص ۴۳۲ .

« سلام ، نوعی درود و تحیت اسلامی است که دو مسلمان به هم می گویند این معنای شعار اسلامی «سلام» است .^۱ »

سلام نام خداست و تحیت الهی ف سفارش پیامبر و امامان است . تا آنجا که فرموده اند: « مَنْ بَدَأَ الْكَلَامَ قَبْلَ السَّلَامِ

فَلَا تُجِيبُوهُ^۲؛ اگر کسی پیش از سلام کردن ، شروع به سخن کرد ،جواب ندهید .»

امام صادق (علیه السلام) : «مِنَ التَّوَاضُّعِ وَ أَنَّ تَسْلِمَ عَلَيَّ مِنْ لَقِيَتَ ؛ از نشانه های فروتنی این است که به هر کس

برخوردی سلام دهی» .^۳

پیامبر اکرم نیز فرمودند :«إِذَا تَلَقَّيْتُمْ، فَتَلَّاقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَافُحِ ؛ هر گاه همدیگر را دیدار کردید ، با سلام و دست دادن

باهم دیدار کنید »

سلام را باید آشکارا ، بلند و با صدای رسا ادا کرد . احادیث فراوانی با عنوان «الجهر بالسلام» و «افشاء

سلام» آمده است که سفارش اکید دارد که سلام رسا و بلند باشد ، نه زیر لب و آهسته و نامفهوم . جواب سلام هم

باید همین گونه باشد یعنی بلند و واضح تا طرف مقابل بشنود اگر در برخورد با دیگران یا ورود به جلسه و جمعی

یا رسیدن به خانه و محل کار سلام بگوئید ولی آهسته شاید سلامتان را نشنوند .

«با این که شما سلام داده اید ولی به دلیل سر و صدا یا جمع نبودن هواس و یا هر عامل دیگر سلامتان را نشنوند شما را بی

ادب و بی اعتنا خواهند شمرد و متکبر خواهند پنداشت یا اگر سلام دیگری را جواب دهید اما آهسته و زیر لب به گونه ای که نفهمد

و نشنود شاید پیش خود فکر کند که مساله ای ، خصومتی و ... پیش آمده یا شما سرسنگین و متکبر شده اید .^۴ »

^۱ -دفتر تبلیغات اسلامی ، ماهنامه پیام زن ، ش ۶۴،ص ۴۵ .

^۲ - عباس ، قمی ، السفینه البحار ، چاپ دوم ، تهران : چاپ سنگی ، ۱۳۵۵ه ق،ج ۱،ص ۶۴۵ .

^۳ - محمد ابن علی،ابن بابویه(صدوق) ، خصال ، ج ۱،ص ۱۱ .

^۴ - عباس ، قمی ، السفینه البحار ،ج ۱،ص ۶۴۵ .

تحیت و سلام و مهمانان به میزبان از آداب مهمانی است زیرا نخستین ابزار ارتباطی میان دو شخص به ویژه ناشناس ، سلام و تحیت است از این رو فرشتگان به عنوان مهمانان ناشناس حضرت ابراهیم (علیه السلام) پیش از هر کلامی ، سلام و تحیت می فرستند و برایشان وارد می شوند .

« وَكَفَدَ جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ ؛ آن گاه فرستادگان ما بر ابراهیم به سلامتی بشارت آوردند

و او را سلام گفته و پاسخ شنیدند »^۱

جمله ی « قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ » به ظاهر تسالم به یکدیگر و سلام کردن را می رساند در حالی که ادب اقتضاء می کند دو نفر که به یکدیگر می رسند سلام و علیک کنند یعنی یکی بگوید سلام و دیگری نیز بگوید سلام علیک . فرق است بین گفتن السلام علیک و یا علیک السلام و گفتن سلام علیک یا علیک سلام . تعبیر دوم ، از آن جهت که الف و لام ندارد و به اصطلاح نکره است نکته ای زائد را می فهماند و آن این است که جنس سلام و همه انواع سلام بر تو باد و این است که سلامی بر تو باد که از عظمت و اهمیت نمی توان با زبان بیان کرد . در نتیجه ابراهیم (علیه السلام) جواب سلامی به ملائکه داده که بهتر از سلام و تحیت آنان بوده است و وظیفه هم همین است که پاسخ دهنده سلام باید پاسخی بهتر از سلام ، سلام دهنده بدهد مخصوصا اگر سلام دهنده مهمان باشد .

« وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا »^۲

منظور از تحیت در این آیه ، سلام و هر گونه نیکی کردن است .

^۱ - دفتر تبلیغات اسلامی ، ماهنامه پیام زن ، ش ۶۴، ص ۴۷ .

^۲ - هود (۱۱)، آیه ۶۹ .

سلام تحیت بزرگ اسلامی است تا آنجا که می دانیم تمام اقوام جهان هنگامی که به هم می رسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحیت دارند که گاهی جنبه لفظی دارد و گاهی به صورت عملی است که رمز تحیت می باشد . در اسلام نیز سلام یکی از روشن ترین تحیت هاست . بنابراین طبق این آیه همه مسلمانان موظفند که سلام را به طور عالی تر و یا لاقلاً مساوی جواب گویند .

از آیات قرآن نیز استفاده میشود که سلام یک نوع تحیت است .

در سوره نور آیه ۶۱ می خوانیم : « فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ ؛ هنگامی که وارد خانهای شدید بر یکدیگر تحیت الهی بفرستید تحیتی پر برکت و پاکیزه»^۱

در این آیه سلام به عنوان تحیت الهی که هم مبارک است و هم پاکیزه معرفی شده است و ضمناً از آن می توان استفاده کرد که معنی سلام علیکم در اصل سلام الله علیکم است یعنی درود پروردگار بر تو باد ، یا خداوند تو را به سلامت دارد و در امن و امان باشی به همین جهت سلام کردن یک نوع اعلام دوستی و صلح و ترک مخاصمه و جنگ محسوب میشود .

از آیات قرآن استفاده می شود که تحیت به معنی سلام (یا چیزی معادل آن) در اقوام پیشین بوده است چنان که در سوره ذاریات آیه ۲۵ در داستان ابراهیم می گوید : هنگامی که فرشتگان مامور مجازات قوم لوط به صورت ناشناس بر او وارد شدند به او سلام کردند و او هم پاسخ آنها را به سلام داد .

« إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۲ »

^۱ - محمد حسین ، طباطبائی ، همان کتاب ، ج ۱۰ ، ص ۴۷۶ .

^۲ - نساء (۴) ، آیه ۸۶ .

از اشعار عرب جاهلی نیز استفاده می شود که تحیت به وسیله سلام در آن ایام بوده است^۱

از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِفْشَاءَ السَّلَامِ؛ خداوند افشاء سلام را دوست دارد»

منظور از افشای سلام، سلام کردن به افراد مختلف است. سلام تنها مخصوص کسانی نیست که انسان با آنها آشنایی دارد.

«در احادیث وارد شده که سواره بر پیاده و آنها که مرکب گران قیمت تری دارند به کسانی که مرکب ارزان قیمت تر دارند سلام کنند، گویا این دستور یک نوع مبارزه با تکبر ناشی از ثروت و موقعیت های خاص مادی است و این درست نقطه مقابل چیزی است که امروز دیده می شود که تحیت و سلام را وظیفه افراد پایین تر می دانند و شکلی از استعمار و استعباد و بت پرستی به آن می دهند. و لذا در حالات پیامبر (صل الله علیه و آله) می خوانیم که او به همه حتی به کودکان سلام می کرد. البته این سخن منافات با دستوری که در بعضی روایات وارد شده که افراد کوچکتر از نظر سن به بزرگتر سلام کنند ندارد زیرا این یک نوع ادب و تواضع انسانی است و ارتباطی با مساله طبقاتی و تفاوت در ثروت و موقعیت های مادی ندارد.»^۳

ضمناً باید توجه داشت که منظور از تحیت به احسن آن است که سلام را با عبارات دیگری مانند «و رحمه

الله» و مانند «و رحمه الله و برکاته» تعقیب کنند.

در تفسیر درالمنثور می خوانیم: «شخصی به پیامبر عرض کرد: السلام علیک، پیامبر فرمودند: السلام علیکم و رحمه الله، دیگری عرض کرد: السلام علیکم و رحمه الله پیامبر فرمودند: و علیک السلام و رحمه الله و برکاته، نفر دیگر گفت السلام علیک و رحمه الله و برکاته پیامبر فرمودند: و علیک و هنگامی که سوال کرد که چرا جواب مرا کوتاه بیان کردید فرمود: قرآن می گوید:

^۱ -نور(۲۴)، آیه ۶۱.

^۲ -ذاریات (۵۱)، آیه ۲۵.

^۳ -و لو ان لیلی الاخیلیه سلمت
علی و دونی حیدل و صفایح
لسلمت تسلیم البشاشه اوزقا
الیها صدی من جانب القبر صائح
شعر از یکی از شعرای جاهلیت به نام توبه است

تحیت را به طرز نیکوتری پاسخ دهید اما تو چیزی باقی نگذاشتی در حقیقت پیامبر در مورد نفر اول و دوم تحیت به نحو احسن گفت اما در مورد شخص سوم به مساوی . زیرا جمله «علیک» مفهومش این است که تمام آنچه گفتی بر تو نیز باد.^۱»

« گروهی از یهود نزد پیامبر (صل الله علیه و آله) آمدند و به جای (السلام علیک) گفتند: السام علیک یا ابالقاسم (که مفهومش می شود: مرگ بر تو یا ملامت و خستگی بر تو) پیامبر (صل الله علیه و آله) در جواب فرمودند: و علیکم (همین بر شما باد) عایشه می گوید: متوجه این مطلب شدم و گفتم: علیکم السام و لعنکم الله و غضب علیکم (مرگ بر شما، خدا لعنت کند شما را و غضب کند) پیامبر به من فرمود: مدارا کن و از خشونت و بدگویی پرهیز کن، گفتم: مگر نمی شنوی می گویند: مرگ بر تو، فرمود: مگر تو هم نشنیدی که من در جواب «علیکم» گفتم^۲

و در این جا بود که آیه ۸ سوره مجادله نازل شد که خداوند می فرماید:

«هنگامی که این گروه نزد شما می آیند تحیتی می گویند که خدا چنان تحیتی به شما نگفته است»

از این آیه متوجه می شویم که لفظ سلام را همان گونه که در آیات و روایات ذکر شده به کار ببریم.

۳-۲-۴- پرهیز از بهانه گیری

مهمان در مورد غذائی که برای او تهیه شده است نباید بهانه بگیرد.

رسول الله (صل الله علیه و آله): « كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يَسْتَقِيلَ مَا يُقَرَّبُ إِلَى إِخْوَانِهِ، وَكَفَى بِالْقَوْمِ إِثْمًا أَنْ يَسْتَقِيلُوا مَا

يُقَرَّبُهُ إِلَيْهِمْ أَخُوهُمْ^۳

^۱ - محمد بن یعقوب، کلینی رازی، اصول کافی، ج ۲، باب تسلیم، ص ۲۸۷

^۲ - ناصر، مکارم شیرازی، همان کتاب، ج ۴، ص ۴۳-۴۶.

^۳ - جلال الدین عبدالرحمن، سیوطی، درالمنثور فی التفسیر بالماثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۸۸.

رسول خدا (صل الله عليه و آله) : میزبان را همین گناه بس که غذائی را پیش برادران خود می گذارد کم شمارد و

مهمان را همین گناه بس که آنچه را برادرشان در برابرشان می گذارد کم شمارد .^۱»

الامام الصادق (علیه السلام) : « هَلِكُ لِمَرِيٍّ اِحْتَقَرَ لِأَخِيهِ مَا حَضَرَهُ ، هَلِكُ لِمَرِيٍّ اِحْتَقَرَ مِنْ أُخِيهِ مَا قَدَّمَ إِلَيْهِ

امام صادق (علیه السلام) : هلاک باد مردی که آنچه را پیش برادرش می گذارد ناچیز شمارد و هلاک باد مردی که

آنچه را برادرش جلو او می گذارد ناچیز شمارد .^۲»

۳-۲-۵- پرهیز از تعارف

از آداب مهمانی ، این است که مهمان از غذا و طعام فراهم آمده بخورد همان طور که در داستان حضرت

ابراهیم وقتی فرشتگان دست به غذا نبردند در دل احساس وحشت کرد .

« فَلَمَّا رَأَى أُيُدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ ؛ چون ابراهیم دید آنها دست به طعام نمی کنند در حال دلش از آنها متوحش

گردید »^۳

زیرا در آن زمان هر گاه کسی از غذای دیگری بخورد به او آزاری نمیرساند و خیانتی نمی کند و از آنجا که نمک خوردند

نمکدان را نمی شکنند و لذا اگر مهمان دست به غذا نبرد این گمان پیدا شد که او برای کار خطرناکی آمده است این ضرب المثل در

عرب معروف است که می گویند : «من لم ياكل طعامك لم يحفظ ذمامك؛ کسی که غذای تو را نخورد به پیمان تو وفا نخواهد کرد .^۴»

رسول الله (صل الله عليه و آله) : «من الجفَاءِ ... أَنْ يَدْعِيَ الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ

^۱ - مراغی ، احمد مصطفی ، تفسیر مراغی ، بیروت : دارالفکر ، ۱۹۷۴م، ج ۲۸، ص ۱۳ .

^۲ - ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد ، البرقی ، همان کتاب ، ۱۵۳۳/۱۸۶۲، ح ۱۵۳۵ .

^۳ - هود (۱۱) ، آیه ۷۰ .

^۴ - ناصر ، مکارم شیرازی ، همان کتاب ، ج ۲۲ ، ص ۳۴۶ .

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) : از ادب به دور است ... که مردی به مهمانی دعوت شود و نپذیرد یا بپذیرد و از غذای

آن نخورد .^۱

۳-۲-۶- گلایه نداشتن

روابط مودت آمیز در جامعه ی اسلامی و میان برادران دینی و خانواده ها باید در سطحی باشد که رفت و آمد ها گرم و مهمانی دادن ها صمیمی ، مهمانی رفتن ها بی تکلف و پذیرایی ها خودمانی و بی گله باشد . وقتی مهمانی به صورت دسته جمعی و عمومی باشد چیزی به نام «گلایه» مطرح می شود . البته ما نباید اهل گلایه باشیم که چرا مثلا ما را خبر نکردند ، مگر غریبه بودیم که دعوت نشدیم و ... آنچه برای دیگران بسیار کار ساز است «عدم توقع» است نتیجه ی این روحیه ، آرامش وجدان و آسایش درون است ، اگر کسی از دوستان ، بستگان ، همسایگان و همکاران مهمانی داد و ما جزء مدعوین نبودیم ، چه جای گلایه ؟ مگر به ما بدهکار است ؟ شاید دسترسی نداشته ، شاید فراموش کرده که بگوید و از قلم افتاده ایم ، شاید از نظر جا و غذا ، امکانات و ظرفیت نبوده و ... یا به هر دلیل دیگری به ما نگفته است . چرا به ما بربخورد و غبار کدورت بر آینه ی دوستی هایمان بنشیند ؟

« حیف است که مرز دوستی ها و خویشاوندی ها با این گونه مسایل ، آشفته گردد . زبان به گلایه گشودن هم طرف مقابل را شرمنده و رنجیده می کند ، هم نشانه کم ظرفیتی و دون همتی و حقارت نفس گله کننده است . مناعت طبع گوهری است که نباید آن را با سنگ توقع های کوچک شکست . اگر به مهمانی هم رفتیم و غذا جا و شرایط بر طبق میل و انتظارمان نبود باز هم عیب جویی و شکوه ، مناسب نیست . زیرا گلایه های بعدی نه عیوب و کاستیها ی گذشته را اصلاح می کند ، نه چیزی عاید ما می شود . تنها

^۱ - ابوالعباس عبدالله بن جعفر ، الحمیری ، قرب الاسناد ، چاپ اول ، قم : آل البيت ، ۱۴۱۳ ق ، ۵۸۳/۱۶۰ .

پایین بودن سطح اندیشه و افق فرهنگ خویش را با این کار نشان داده ایم . ایثار ، گذشت، بلند نظری و والا همتی مخصوص همین جاهاست ، پس همت بلند دارد ... مبدا صفای دوستی و خویشاوندی با چنین توقع هایی به کدورت مبدل شود حیف است .^۱»

۳-۲-۷- وقت شناسی

۳-۲-۷-۱- زمان مهمانی

مهمان باید در زمان دعوت شده در خانه میزبان حاضر شود و پیش از مدعو نرود تا در انتظار غذا بماند و میزبان را به حرج افکند و موجب اذیت و آزار او شود .

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَظِيرِهَا إِلَّا إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ

ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه های پیغمبر داخل نشوید مگر آن که اذن دهد و بر سر سفره طعامش دعوت کند ، در آن حال هم نباید زودتر از وقت آمده و به ظرف غذا چشم انتظار گشایید بلکه موقعی که دعوت شده اید بیایید ، و چون غذا تناول نمودید زود از پی کار خود متفرق شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس به سخنرانی پردازید .^۲»

بر مهمان است که پس از غذا خوردن و پایان پذیرایی و مهمان نوازی از خانه خارج شود و میزبان را با بقای بیهوده خود نیازارد .

«در شان نزول این آیه مفسران چنین آورده اند: «هنگامی که رسول خدا (صل الله علیه و آله) با زینب بنت جحش ازدواج کرد ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد . انس که خادم مخصوص پیامبر (صل الله علیه و آله) بود می گوید : پیامبر (صل الله علیه و آله) به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم من همه را دعوت کردم ، دسته دسته می آمدند و غذا می خوردند و از اطاق

^۱ - نورمراد ، محمدی ، مهمانداری در اسلام ، ص ۶۰

^۲ - احزاب (۳۳) ، آیه ۵۳ .

خارج می شدند تا این که عرض کردم ای پیامبر خدا کسی باقی نمانده که من او را دعوت نکرده باشم فرمود: اکنون که چنین است سفره را جمع کنید سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند اما سه نفر هم چنان در اتاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند هنگامی که سخنان آنها به طول انجامید پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخاست و من نیز همراه او برخاستم تا شاید آنها متوجه شوند و پی کار خود بروند پیامبر بیرون آمد تا به حجره عایشه رسید بار دیگر برگشت من هم در خدمتش آمدم باز دیدم هم چنان نشسته اند آیه فوق نازل شد و دستورات لازم را در برخورد با این مسائل به آنها تفهیم کرد.^۱ «

۳-۲-۷-۲-مدت اقامت

هر کاری حد و اندازه‌ای دارد که اگر از حد خود بگذرد، دیگر زشت و ناپسند خواهد شد؛ مثلاً غذا خوردن در هنگام گرسنگی کاری است خوب و پسندیده، اما اگر تبدیل به پرخوری شود، ناپسند خواهد بود. در عبادات نیز این‌طور است؛ اگر عبادت از حد خود گذشت، اسلام از آن نهی کرده است؛ یعنی طوری شد که تمام کار و زندگی انسان عبادت کردن باشد، چون این کار موجب ضربه زدن به خانواده می‌شود.

مهمانی رفتن نیز مانند سایر اعمال واجب و مستحب، کاری بسیار خوب و خدایسند است و مورد سفارش ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد که انسان باید برادر دینی‌اش را به مهمانی دعوت کند و خود نیز به مهمانی برود.

اما حد و اندازه مهمانی چقدر است و انسان تا چند روز مجاز است در خانه برادر دینی‌اش بماند؟ آیا تا هر وقت که دلش خواست می‌تواند در آنجا بماند و هر وقت خواست، برگردد؟ آیا اسلام حد و اندازه‌ای برای مهمانی رفتن تعیین کرده است؟

^۱ - ابوعلی الفضل بن الحسن، طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۶.

«دین مقدس اسلام برای مهمانی نیز مانند سایر کارها، مدت معینی راتعیین کرده و گفته است مؤمنان تا این مدت می‌توانند بدون ایجاد مزاحمت و با آرامش در خانه برادر دینی‌شان بمانند، و بعد از این مدت باید برای خودفکری کنند و به عنوان مهمان نمی‌توانند در آن‌جا بمانند و گرنه سربار دیگران خواهند بود.»

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اندازه و مدت مهمانی سه روز است. پس هر چه بیشتر از سه روز بماند، صدقه برای صاحبخانه محسوب می‌شود.^۱

از این روایت استفاده می‌شود نهایت مهمانی سه روز است و بیشتر از سه روز مانند صدقه‌ای است که صاحبخانه به مهمان می‌دهد، که اگر مستحق نباشد، نباید از صدقه استفاده کند، زیرا صدقه مال فقرا و مستمندان است.

«روزی ظریفی به مهمانی دوستش رفت و سه شبانه روز در خانه او ماند. صاحبخانه از دست مهمان به تنگ آمد و به زن خود گفت: من دیگر خسته شده‌ام. این مرد تا کی می‌خواهد این‌جا بماند؟!»

زن جواب داد: من هم مثل تو خسته شده‌ام، اما ناراحت نباش! الان معلوم می‌کنم تا چه مدت این‌جا می‌ماند.

زن نزد مهمان آمد و گفت: ای مهمان عزیز! تو را به آن خدایی که تو راسه شبانه روز مهمان ما گردانید و فردا روزی تو را در جای دیگر خواهد داد، قسم می‌دهم چون شوهرم بر من جفا می‌کند، او را نصیحت کنی تا سر عقل بیاید و مرا اذیت و آزار نرساند! در این اثنا شوهر نیز وارد شد و در کنار زن جای گرفت.

مهمان روی به شوهر زن کرد و گفت: ای رفیق عزیز! تو را به آن خدایی که در این چهل روز مرا مهمان شما ساخته و روزی مرا بر خوان احسان شمانوشته، قسم می‌دهم از این به بعد بر زن جفا نکنی.^۱

^۱ - حسن ، محدث نوری ، مستدرک الوسائل ، ج ۱۶ ، باب ۳۲ ، چاپ دوم ، قم : موسسه آل البيت الاحیاء التراث ، ۱۴۰۷ ه ق ، ص ۲۵۵ .

متاسفانه بعضی از مؤمنان وقتی به مهمانی دوست و یا فامیل خود می‌روند، آنقدر آنجا می‌مانند که صاحبخانه مجبور می‌شود تمام حقوق یک ماهه خود را برای آنها خرج کند و در عین حال از مغازه قرض گیرد و چیزی از حقوق او باقی نمی‌ماند که کمبودهای خانواده‌اش را تامین کند، در حالی که تمام خانواده اعم از زن و بچه‌ها از آن حقوق ماهیانه حقی دارند و مرد باید ادای حقوق آنها را بکند، و با وجود مهمان چیزی باقی نمی‌ماند.

دین اسلام از این عمل بسیار زشت شدیداً نهی کرده و دستور داده است آنقدر در خانه دوست خود ننماید که به رنج و زحمت بیفتد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می‌فرماید: «مهمانی سه روز است، و بعد از سه روز صدقه‌ای است که برای صاحبخانه نوشته می‌شود. کسی حق ندارد به‌عنوان مهمان بر برادر دینی خود وارد شود تا آنکه او را با خودش به گناه اندازد.

یکی از اصحاب پرسید: ای رسول خدا! چگونه به گناهش اندازد؟

حضرت فرمود: تا آنکه چیزی برایش نماند که با آن زندگی کند.^۲»

«مردی به منزل یکی از اقوامش رفت و آنقدر در آنجا ماند که صاحبخانه به ستوه آمد و خسته شد.

روزی صاحبخانه به او گفت: چون اقامت شما در اینجا طول کشیده، ممکن است عیال و بچه‌های شما نگران شوند و فکر کنند برای شما اتفاقی افتاده است. بهتر است سری به آنها بزنم.

مهمان پر رو گفت: بله، اتفاقاً امروز خود من هم به همین فکر افتادم که ممکن است خانواده نگران شوند، و به همین جهت به

آنها نامه نوشتم تا همگی به اینجا بیایند!^۱»

^۱ - سبزه ای، جواد، حکایت‌ها و لطیفه‌ها، چاپ اول، تهران: انتشارات ناس، ۱۳۶۸ ش، ص ۵۰.

^۲ - محمد بن یعقوب، کلینی رازی، فروع کافی، جلد ۶، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳، ح ۲.

این همه سفارشی که در اسلام برای پذیرایی از مهمان شده که انسان باید به او خدمت کند، نگذارد به مهمان سخت بگذرد، مخصوص این سه روز است؛ یعنی در این سه روز مهمان است و باید با او مانند مهمان رفتار شود، اما وقتی از سه روز گذشت، باید با او مانند یکی از اهل خانواده رفتار شود و هر چه برای زن و بچه فراهم می شود و در خانه موجود است، برای مهمان نیز بیاورند و وی نیز نباید انتظار پذیرایی بیشتر از آن رداشته باشد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «مهمان دو شب می تواند در خانه میزبان بماند و وقتی شب سوم شد (سه روز گذشت) او نیز یکی از اهل خانه محسوب می شود و هر چه گیرش آمد، باید بخورد و انتظار پذیرایی بیشتر را نباید داشته باشد.»^۲

اگر مهمانی از سه روز گذشت و به هر دلیل مهمان نتوانست برود، وظیفه دیگری بر عهده اش می آید و آن این که، او باید در عوض مدتی که در منزل صاحبخانه می ماند، برای آنها کار کند و یا در کارهای خانه کمک کند. و اگر برایش ممکن نبود، باید دنبال کار بگردد و به این وسیله پولی به دست آورده و برای خود و اهل آن خانواده غذا تهیه کند.

متأسفانه بعضی از افراد به عادت بدی مبتلا شده اند و آن این که وقتی به مهمانی کسی می روند، بدون توجه به درآمد آن خانواده، یک هفته، دو هفته و حتی یک ماه می مانند، غذای آماده میل می کنند و به تعبیری خوش می گذرانند، بدون این که کوچک ترین کمکی به آن خانواده کنند.

حکایت: کار کردن به جای خوردن صدقه

^۱ - جواد ، سبزه ای ، همان کتاب ، ص ۴۲۵ .

^۲ - حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، باب ۳۶ ، چاپ سوم ، تهران : مکتب اسلامیه ، ۱۳۸۸ ه ق ، ص ۴۵۶ .

«از جمله کسانی که در زمان حکومت هارون الرشید فراری شد و خود را پنهان کرد، قاسم بن موسی بن جعفر علیهم السلام است که از ترس جان خویش به طرف شرق متواری گشت.

روزی در کنار فرات راه می‌رفت. چشمش به دو دختر کوچک افتاد که بایکدیگر بازی می‌کردند. یکی از آنها برای اثبات ادعای خود گفت: نه، این طور نیست به حق امیر، صاحب بیعت در روز غدیر!

قاسم جلو رفت و پرسید: منظورت از امیر کیست؟

دختر گفت: مرادم ابوالحسن پدر امام حسن و امام حسین علیهم السلام است.

قاسم خشنود شد که به محل دوستان اجداد خود رسیده است. از این رو گفت: دختر خانم! آیا مرا نزد رئیس قبیله راهنمایی می‌کنی؟

دختر جواب داد: آری، اتفاقاً پدر خودم رئیس قبیله است. دختر از جلورفت و قاسم هم از پشت سر حرکت کرد. قاسم خود را به پدر دختر معرفی کرد.

قاسم سه روز با کمال احترام و پذیرایی شایسته به عنوان مهمان در آن جا ماند. روز چهارم پیش رئیس قبیله رفت و گفت: شنیده‌ام از کسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهمان بودن سه روز است، و بعد از آن هر چه بخورد، از باب صدقه و انفاق خواهد بود. به این جهت دوست ندارم از صدقه استفاده کنم. تقاضا دارم مرا به کاری واداری که مشغول آن شوم تا آنچه می‌خورم، صدقه نباشد.

شیخ گفت: بعدا کاری که در شان تو باشد برایت تهیه می‌کنم. ولی قاسم درخواست کرد آب دادن به مجلس خود را به او واگذارد. شیخ پذیرفت و آن کار را به او محول کرد. مدتی قاسم در آن جا به همین کار اشتغال داشت، تا این که نیمه شبی پیرمرد از اتاق بیرون رفت. قاسم را دید که در دل شب به پیشگاه پروردگاردست نیاز دراز کرده و با توجه مخصوصی غرق مناجات است و هیچ چیز او را به خود مشغول نمی‌کند. از دیدن حال قاسم محبتی از او در دلش جای گرفت. صبح که شد، بستگان خود را جمع کرد و

گفت: می‌خواهم دخترم را به این مرد صالح و پرهیزگار تزویج کنم. همه قبول کردند و شیخ دختر خود را به ازدواج او درآورد. خداوند به قاسم دختری عنایت کرد. آن بچه دوران کودکی را تا سه سالگی گذراند. در این موقع قاسم مریض شد و بیماریش شدید گردید.

روزی شیخ بالای سر قاسم نشسته بود. از خانواده و فامیل او سؤال کرد و قاسم جواب‌هایی داد که شیخ را وادار به کنجکاوی بیشتر کرد و متوجه قسمتی از جواب‌های قاسم شد.

پیرمرد پرسید: فرزندم! شاید تو هاشمی باشی؟

قاسم گفت: بله، من قاسم بن موسی بن جعفرعلیهم السلام هستم.

پیرمرد بر سر و صورت خود زد و گفت: چقدر پیش پدرت موسی بن جعفرعلیهما السلام شرمند شدم از این‌که تو را به کار گرفتم.

قاسم پوزش خواست و جواب داد: تو مرا گرامی داشتی و از من پذیرایی کردی. ان‌شاءالله با ما در بهشت خواهی بود.

قاسم بعد از این‌که وصیت‌های خود را کرد و از همه حلالیت طلبید، دختر خود را به پیرمرد سپرد و رحلت کرد.

شیخ نیز دختر قاسم را به مادر بزرگش رساند و او را تحویل داد.^۱

^۱ - حائری، محمد مهدی، شجره طویبی، چاپ پنجم، قم: مکتبه بصیری، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰.

۳-۲-۸- وسعت بخشیدن مجلس

یکی دیگر از مواردی که باید در مهمانی‌ها رعایت شود و در واقع جزء آداب مهمانی است جا دادن به افراد دیگر و تازه وارده است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که به شما گفته می‌شود مجلس را وسعت بخشید (به تازه واردها جا دهید) وسعت بخشید خداوند بهشت را برای شما وسعت می‌بخشد و هنگامی که گفته شود برخیزید، برخیزید، اگر چنین کنید خداوند آنها را که ایمان آورده اند و کسانی را که از علم بهره دارند درجات عظیمی می‌بخشد.»

«طبرسی در مجمع البیان و آلوسی در روح المعانی و جمعی دیگر از مفسران نقل کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یکی از روزهای جمعه در «صفه» (سکوی بزرگی که در کنار مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داشت) نشسته بودند و گروهی نزد حضرت حاضر بودند، و جا تنگ بود پیامبر (صلی الله علیه و آله) عادتش این بود که مجاهدان بدر را اعم از مهاجران و انصار احترام فراوان می‌کرد، در این هنگام گروهی از بدریون وارد شدند در حالی که دیگران قبل از آنها اطراف پیامبر (صلی الله علیه و آله) را پر کرده بودند هنگامی که مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدند سلام کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) پاسخ فرمود سپس به حاضران سلام کردند آنها نیز پاسخ گفتند، آنها روی پای خود ایستاده بودند و منتظر بودند حاضران به آنها جا دهند ولی هیچکس تکان نخورد. این امر بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخت آمد رو به بعضی از کسانی که اطراف او نشسته بودند کرد و فرمود: فلان و فلانی برخیزید، چند نفر را از جا بلند کرد تا واردین بنشینند (و این در حقیقت نوعی ادب آموزی و درس احترام گذاردن به پیش کسوتان در ایمان و جهاد بود) ولی این مطلب بر آن چند نفر که از جا برخاستند ناگوار آمد به طوری که آثارش در

^۱ -مجادله (۵۸)، آیه ۱۱.

چهره آنها نمایان گشت منافقان (که از هر فرصتی استفاده می کردند) گفتند: پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسم عدالت را رعایت نکرد کسانی را که عاشقانه نزدیک او نشسته بودند به خاطر افرادی که بعداً وارد مجلس شدند از جا بلند کرد در این جا آیه فوق نازل شد و قسمتی از آداب نشستن در مجلس را برای آنها شرح داد.^۱»

«تفسیح» به معنای توسعه دادن می باشد و این یکی از آداب مجلس است که وقتی تازه واردی داخل می شود حاضران جمع و جور تر بنشینند و برای او جا باز کنند، مبدا سرگردان و احیاناً خسته و شرمنده شود این موضوع یکی از وسایل تحکیم پیوندهای محبت و دوستی است و در ادامه آیه می فرماید: «وقتی به شما گفته شود برخیزید، برخیزید نه تعلل جوید و نه به هنگامی که بر می خیزید ناراحت شوید چرا که گاه تازه واردها برای نشستن سزاوارترند به خاطر خستگی مفرط، یا کهولت سن، و یا احترام خاصی که دارند و یا جهات دیگر این جاست که حاضران باید ایثارکنند و این ادب اسلامی را رعایت نمایند.»^۲

۳-۲-۹- مکان نشستن

مهمان موظف است آنچه را صاحب خانه در مورد منزلش پیشنهاد می کند انجام دهد. فی المثل هر جا را برای نشستن پیشنهاد می کند بپذیرد.

الامام الباقر(علیه السلام): «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ فِي رَحْلِهِ فَلْيَقْعِدْ حَيْثُ يَأْمُرُ صَاحِبُ الرَّحْلِ. فَإِنَّ صَاحِبَ

الرَّحْلِ أَعْرَفُ بِمُورِهِ بَيْتِهِ مِنَ الدَّخْلِ عَلَيْهِ

^۱ - محمود بن عبدالله، آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۲۸، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵؛ ابوعلی الفضل بن الحسن، طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ترجمه: علی کرمی، ج ۹، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ه.ش، ص ۲۵۲.

^۲ - ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، چاپ ۱۹، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۴۴۱.

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که چون شخصی به خانه کسی برود هر جا که صاحب خانه امر کرد بنشیند

زیرا، صاحب خانه امور مخفی خانه اش را بهتر میداند. ^۱»

۳-۲-۱۰- جلوگیری از نجوا و سخنان در گوشه

ادب حضور در مهمانی حکم می کند هنگامی که در مجلس و جلسه مهمانی هستیم به صورت در گوشه

با کسی صحبت نکنیم که توجه بقیه افراد به ما جلب شود و شاید این گمان برای آنها پیش آید که راجع به او

صحبت می کنیم و این کار باعث نفرت و دشمنی خواهد شد زیرا نوعی بی اعتنایی یا بی اعتمادی نسبت به

دیگران محسوب می شود.

لذا در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می خوانیم :

« إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً فَلَا يَتَجَاجَى اثْنَانِ دُونَ صَاحِبِهِمَا . فَإِنَّ ذَلِكَ يُحْزَنُهُ »

هنگامی که سه نفر باشید دو نفر از شما جدای از شخص سوم به نجوی نپردازد چرا که این امر نفر سوم را غمگین می

کند ^۲»

۳-۲-۱۱- دعا کردن

مهمان به خاطر نعمت های الهی شکر خدا را به جا آورد و برای سلامتی و برآورده شدن حاجت های

میزبان دعا کند .

رسول خدا (صل الله علیه و آله) در خانه ای دعوت شده بود در حق آنان فرمودند:

^۱ - محمد باقر ، مجلسی ، بحارالانوار ، ۲/۴۵۱/۷۵ .

^۲ - محمد بن یعقوب ، کلینی رازی ، اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۴۸۳ حدیث او ۲ .

«طعمِ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَأَكَلَ عِنْدَكُمْ الْأَبْرَارُ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ الْأَخْيَارُ»

روزی داران نزد شما طعام خوردند و ابرار و نیکان نزد شما پذیرایی شدند و فرشتگان برگزیده بر شما درود فرستند^۱

^۱ - همان، ج ۴۷، ص ۳۹.

بخش چهارم:

آثار مهمانی

– آثار دنیوی

– آثار اخروی

فصل اول

آثار دنیوی

– در امنیت بودن مهمان نواز

– افزایش برکت

– نشانه ایمان

– تبدیل دشمنی‌ها به دوستی

– تربیت با مهمانی

- درمان با مهمانی

۴-۱- آثار دنیوی

۴-۱-۱- در امنیت بودن مهمان نواز

دین مقدس اسلام برای افراد مهمان نواز - هر عقیده و مسلکی که داشته باشند - اهمیت زیادی قائل است و به آنها احترام ویژه ای می گذارد هر چند که اهمیت و احترام گذاردن برای منحرفان و کفار ، فقط در دنیا ست و در آخرت هیچ بهره ای ندارند و تنها ثمرات دنیوی مهمانداری شامل حال آنها می شود اما همین مقدار که امتیازات زیادی شامل حال آنها می شود اهمیت مهمان نوازی را می فهماند .

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «روزی عده ای از اسیران را خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آوردند تا آنها را به خاطر جنایات و خیانت هائی که کرده بودند به قتل برسانند . مردی از آنها را پیش آوردند تا حکم اعدامش را اجرا کنند . در این هنگام جبرئیل از طرف خدا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد و عرض کرد : اعدام این شخص را به تاخیر اندازید . پیامبر (صلی الله علیه و آله) وی را برگرداند و پس از اجرای حکم درباره سایر رفقاییش وی را طلبید و با او صحبت کرد . در این هنگام جبرئیل نازل شد و عرض کرد: خداوند می فرماید : این مرد دیگران را اطعام می کرد و مهمان نواز بود و در ناملایمات صبر می کرد ، وی را عفو نما .

پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را به برکت این فضیلت بزرگ و ارزشمند آزاد فرمود . آن مرد وقتی علت آزادی خود را فهمید تعجب کرد و اسلام آورد و سپس گفت : قسم به پروردگاری که تو را به نبوت برگزید هیچ گاه کسی را از مال خویش محروم نگردانیدم .^۱

۴-۱-۲- افزایش برکت

^۱ - محمد بن یعقوب ، کلینی رازی ، فروع کافی ، ج ۱، ص ۱۷۶ .

مهمان هر شخصی که باشد با آمدنش خیر و برکت و روزی به خانه فرود می آید ، برکتی که به خانه دو انسان مهمان نواز حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) آمد از این نوع بود .

«روزی عده ای دزد را نزد حضرت علی (علیه السلام) آوردند تا حکم شرعی درباره آنها اجرا شود ، حضرت بعد از اجرای حکم شرعی و قطع کردن انگشتان آنها فرمود : «حال داخل مهمان سرا شوید و به یکی از اصحاب دستور داد که دست آنها را معالجه کند و به آنها روغن ، عسل و گوشت خورانید تا این که بعد از چند روزی خوب شدند . روزی حضرت آنها را به خانه خود دعوت کرد و فرمود : دست های شما زودتر از خودتان به آتش جهنم سبقت گرفتند . حال اگر خودتان می خواهید نجات پیدا کنید توبه کنید و از این غذا بخورید . بعد از حاضر شدن غذا ، حضرت دستش را به بهانه درست کردن چراغ دراز کرد و آن را خاموش نمود و بعد آن را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) داد و فرمود : روشن کردن آن را به تاخیر بینداز تا مهمانها خوب غذا خورند ، بعد که تو را صدا کردم آن را بیاور . حضرت کنار مهمانها در تاریکی نشست و بدون این که غذا میل کند ، دهان مبارکش را می جنباند. مهمانها فکر می کردند در حال خوردن است و آنها هم تا آخر غذا را خوردند و سیر شدند و دست از غذا کشیدند ، حضرت وقتی فهمید مهمانها دست از غذا خوردن کشیدند حضرت زهرا را صدا کرد و فرمود : زهرا جان پس این چراغ چه شد ؟ چرا آن را نمی آوری ؟ حضرت زهرا چراغ را روشن کرد و آن را آورد ، وقتی در روشنایی به سفره نگاه کردند دیدند تمام غذا باقی است و چیزی از آن کم نشده است امیرالمومنین (علیه السلام) به مهمانان گفت : چرا غذا میل نکردید ؟ عرض کردند ما خوردیم و سیر شدیم ولی خدای عزیز به غذای شما برکت داده است . بعد حضرت علی (علیه السلام) از آن غذا میل کرد و سیر شد ، حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حسنین (علیها السلام) نیز غذا خوردند و سیر شدند از آن غذا به همسایه ها هم دادند در حالی که غذا هم چنان باقی بود و از آن کم نمی شد . صبح که شد حضرت علی (علیه السلام) خدمت رسول الله شرفیاب شد . رسول خدا وقتی چشمش به علی (علیه السلام) افتاد در حالی که لبخند شادی بر لب داشت فرمود : خداوند تبارک و تعالی از کاری که دیشب کردی خوشنود شد به خاطر این که چراغ را خاموش کردی و غذا نخوردی تا مهمانها سیر شوند به غذای تو برکت داد به طوری که هر چه از آن مصرف کردید چیزی کم

نشد . علی (علیه السلام) عرض کرد : یا رسول الله کی تو را خبر داد ؟ حضرت فرمود : جبرئیل (علیه السلام) این آیه را در

شان تو بر من خواند^۱ «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا خداوند عزیز و جلیل غذا دادن در راه خودش را دوست دارد و کسی را که

در راه او به مردم غذا می خوراند، دوست دارد و برکت در خانه او سرعت می گیرد، سریع تر از پرنده ای که به لانه می رود»^۳.

۴-۱-۲-۱-افزایش روزی

اسلام شخصیت تازه وارد و مهمان را حفظ کرده و صریحا می گوید: وی سربار خانواده نیست، بلکه وی با

روزی خود آمده و رحمتی است که فرستاده شده است. همه مؤمنان باید خود را در معرض این رحمت الهی قرار

دهند، تا موجب خشنودی خداوند عزیز گردند.

هر که را بینی به گیتی، روزی خود می خورد گر زخوان تو است نانش یازخوان خویشتن.

پس تورا منت زهمان داشت باید بهر آنک می خورد بر خوان احسان تو نان خویشتن

حکایت روزی

^۱-محمد بن یعقوب ، کلینی رازی ، اصول کافی ، ج ۸، ص ۲۶۶ .

^۲-حشر (۵۹) ، آیه ۹ .

^۳-محمد باقر، مجلسی ، بحار الانوار ، ص ۳۶۸، ج ۵۵.

ابوالحسن می گوید: «روزی جمعی با امام حسن مجتبی (علیه السلام) به حج می رفتند و زاد و توشه آنها از پیش رفته بود آنها گرسنه و تشنه شدند. ناگاه از دور خیمه ای را دیدند، به آن جا رفتند، زنی پیر در آن جا نشسته بود، به او سلام کردند، زن بادیه نشین پیش دوید و ایشان را اکرام کرد و گوسفندی داشت، فوری آن را دوشید و شیرش را پیش مهمانان آورد و گفت: این شیر را بنوشید و گوسفند را ذبح کنید و طعام سازید، مهمانان چنان کردند و بعد از غذا به پیر زن گفتند: ما از طایفه قریشیم، وقتی بازگردیم باید به نزد ما بیایی تا پاداش احسان تو را بدهیم. این را گفتند و حرکت کردند، شب که شد شوهر زن از صحرا آمده و گوسفند را ندید. زن ماجرا را به او گفت. مرد خشمگین شد و گفت: در دنیا یک گوسفند داشتی و آن را به قومی دادی که ایشان را نمی شناختی! زن گفت: اگر ایشان را می شناختم بازرگان بوم نه میزبان، میزبان آن است که طعام به کسی دهد که او را نشناسد، بعد از چند روز، زن و شوهر از محنت فقر و فاقد به مدینه رفتند، پیر زن به کوچه داخل شد، امام حسین (علیه السلام) کنار در منزل ایستاده بود، آن زن را شناخت و به او فرمود: ای زن آیا مرا می شناسی؟ زن گفت: نه. حضرت فرمود: من آنم که آن روز مرا به شیر و گوسفند مهمان کردی. امام به او هزار گوسفند و هزار درهم بخشید و او را نزد امام حسن (علیه السلام) برد. حضرت پرسید: برادرم به تو چقدر کمک کرد؟ گفت: اینقدر گوسفند و درهم.

امام حسن (علیه السلام) دو برابر آن را به زن داد و او را به نزد عبدالله جعفر فرستاد، او از زن پرسید: ایشان به تو چقدر دادند؟ گفت: هر یک این مقدار گوسفند و درهم.

عبدالله نیز دو هزار گوسفند و دو هزار درهم به او داد.»

آن زن و شوهر به خاطریک گوسفند که در دنیا داشتند و آن را برای مهمان ذبح کردند با پنج هزار گوسفند و پنج هزار درهم بازگشتند.^۱»

۴-۱-۳- نشانه ایمان

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «یکی از نشانه های ایمان، خوش خلقی و مهمانی دادن است.^۱»

^۱ - سدیدالدین، عوفی، جوامع الحکایات، جلد پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا، ص ۲۱۳.

یکی از دلایلی که بعضی از مهمان خوششان نمی‌آید و مهمان‌نواز نیستند، ضعف ایمان آنها است. اگر ایمان انسان قوی باشد و یقین پیدا کند فردای قیامت برای مهمان‌داری چه پاداشی در نظر گرفته شده است، تمام سعی و تلاش او در دنیا این می‌شود که مهمان‌داری کند.

حکایت: کریم‌تر از حاتم طایی

«از حاتم طایی پرسیدند: آیا از خود کریم‌تر دیده‌ای؟»

گفت: آری، روزی در بادیه می‌رفتم، به خیمه‌ای رسیدم. پیرزنی در آن بود و بزی در پس خیمه بسته بودند. وقتی به آنجا رسیدم، زال پیش من دوید و مرا خدمت کرد و عنان شتر مرا گرفت تا فرود آمدم.

بعد از چند لحظه‌ای پسر او هم آمد و با بشاشتی هر چه تمام‌تر از حال من سؤال کرد.

زن به پسرش گفت: برخیز و به مصالح مهمان‌قیام نمای و وسایل پذیرایی را آماده کن و آن بز را ذبح و طعام درست کن.

پسر گفت: اول بروم از صحرا هیزم بیاورم؟

زن گفت: تا تو به صحرا بروی و هیزم آوری، دیر می‌شود. مهمان را گرسنه داشتن از مروت دور بود!

پس دو نیزه داشت. هر دو را شکست و آن بز را کباب کرد و نزد من آورد.

چون تفحص از حال آنان کردم، جز آن بز چیز دیگری نداشتند و آن را این‌تار من کردند.

از زن پرسیدم: می‌دانی من کیستم؟

زن گفت: نه، نمی‌دانم شما چه کسی هستید.

^۱ - محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۲، ح ۵۶.

گفتم: من حاتمم. باید به قبیله ما بیایی. در حق شما تکلیفی واجب دارم و باید حق این ضیافت را بگزارم.

زن گفت: ما جزا بر مهمانی نستائیم و نان به بها نفروشیم. و از من هیچ قبول نکردند و من دانستم که ایشان از من

کریم‌ترند^۱».

۴-۱-۴- تبدیل دشمنی‌ها به دوستی

اگر کسی از برادر دینی‌اش کینه‌ای در دل داشته باشد و یا با او دشمنی‌ورزد، یکی از راه‌های بسیار خوب و مؤثر برای برقراری آشتی این است که او را به مهمانی در منزل دعوت کند، هر چند از این کار کراهت داشته باشد. به محض دعوت کردن، دشمنی و کینه‌ها تبدیل به دوستی و صداقت می‌شود و از طرفی رضایت‌خداوند جلب می‌شود، چون رضای خدا در این است که بین مؤمنان دشمنی نباشد و همه باهم برادر و یکدل و یک‌رنگ باشند.

حکایت: عادت ملک کرمان

« آورده‌اند که ملکی در کرمان بود، در غایت کرم و مروت. عادت او چنین بود که اگر فرد غریبی به آن شهر می‌آمد، او سه روز آن فرد را مهمان خود می‌کرد و از او پذیرایی می‌نمود.

روزی لشکر عضدالدوله به کرمان حمله کرد و آن ملک طاقت مقاومت با ایشان را نداشت. لذا در دژی رفت و هر روز صبح که می‌شد، بیرون می‌آمد و جنگ سختی با آنها می‌نمود و عده‌ای را می‌کشت. اما شب که می‌شد، مقدار زیادی غذا و میوه جات برای آنها می‌فرستاد، به اندازه‌ای که تمام لشکر دشمن سیر می‌خوردند.

عضدالدوله از این کار تعجب کرد و یک نفر را مخفیانه پیش او فرستاد، و پرسید: این چه کاری است که تو می‌کنی؟ روز

آنها را می‌کشی و شب به آنها غذا و امکانات می‌دهی!

^۱ - سدیدالدین، عوفی، همان کتاب، ص ۲۱۴.

ملک در جواب گفت: جنگ کردن اظهار مردی است و نان دادن اظهار جوانمردی. ایشان اگرچه دشمن من هستند، اما در این

ولایت غریب‌اند و چون غریب باشند، مهمان ما هستند و از جوانمردی نیست که مهمان را بی غذا گذاشت.

عبداللوه با خود گفت: کسی که چنین با مروت و جوانمرد است، جنگ کردن ما با او اشتباه است. لذا از اطراف دژ

برخاست و آن ملک به خاطر مهمانداری نیکو از شر دشمن خلاصی یافت.^۱»

۴-۱-۵- تربیت با مهمانی

«خانه‌هایی که درهای بسته‌ای دارند هر چند در فعالیتهای اجتماعی شرکت داشته باشند، باز هم در برخی از جنبه‌های اخلاقی از رشد باز می‌مانند. مثلاً بسیاری از آداب و رسوم لازم و رایج در جامعه را نمی‌آموزند و نمی‌توانند نرمال و طبیعی رفتار کنند. علاوه بر این ممکن است این دوری از مردم، عادتشان شود و بعدها هم دیگر تحمل مهمان نداشته باشند. علاوه بر اینها تجربه مهمان در خانه تاثیر روانی و تربیتی خوبی روی بچه‌ها هم خواهد داشت. با اکرام مهمان می‌توانید بسیاری از دستوره‌های اخلاقی مثل احترام گذاشتن به دیگران، رعایت ادب در حضور دیگران، نحوه معاشرت و ... را به فرزندانتان عملاً بیاموزید. تاثیر تربیتی مهمان را، یک همکلاسی در کلاس، یا یک بغل دستی در مترو ... نمی‌تواند داشته باشد.»

کم مهمان داشتن می‌تواند موجب بی‌حوصله و کسل بار آمدن فرزندانتان شود و از آنها انسانهایی خودخواه و بد خلق بسازد. لذا برای آنکه منزلتان برای مدتی طولانی از مهمان خالی نباشد، دوست، همکار، یا همسایه‌ی نزدیکتان را به منزل دعوت کنید و مهمانی بگیرید^۱»

^۱ - سدیدالدین، عوفی، همان کتاب، ص ۲۱۶.

۴-۱-۶- درمان با مهمانی

«میزان رفت و آمد و کیفیت مهمان داری در هر خانواده ای ارتباط مستقیمی با شخصیت صاحب خانه دارد آقایی که حساب و کتاب غذای منجمد داخل فریزر منزلش را هم دارد آنقدر از دیدن مهمان شوک می شود که مجبور است پیش بینی های لازم برای جلوگیری از این حادثه را از قبل بنماید فی الجمله مجبور است از معاشرت خود کم کند و عزلت اختیار کند.

خانمی که فقط برای حضور مهمان خانه را مرتب می کند، مهمانداری را یک زحمت و مشقت می بیند.

بنابراین افراد خسیس، تنگ نظر، تنبل، خودخواه و از این قبیل، نمی توانند میزبان خوبی باشند اما این دلیل نمی شود که مهمان خوبی هم نباشند زیرا زیادند کسانی که مهمانی رفتن را خیلی دوست دارند اما مهمان داشتن را دوست ندارند. اینها وقتی خودشان مهمانند خیلی خوش اخلاق و دوست داشتنی هستند ولی اگر موفق شوی مهمانشان بشوی، دیگر از اخلاق خوبشان خبری نیست .

اما گاهی ترس از مهمان داشتن به جایی می رسد که شخص مجبور به محدود کردن روابطش با دیگران می شود. در این صورت صفات بدشان بیشتر محکم و ثابت می شود زیرا مهمان داری خود، موجب ترقی اخلاق و مهارتهای ارتباطی با دیگران می شود. بنابراین مادامی که این افراد در شرایطی قرار گیرند که مجبور به مهمان داری باشند رو به اصلاح خواهند بود و یا لاقط انحطاط اخلاقی کمتری را پیدا می کنند. اگر کسی در اقوام شما هست که از مهمان بیزار است، نباید او را رها کنید تا در عزلت خودش روز به روز بیشتر به صفات بد خو بگیرد. بلکه باید هر چند علی رغم میلش، با او معاشرت نموده و او را از انحراف بیشتر روانی _ اخلاقی بازدارید. ^۲

^۱ -www.beytoote.com، مجموعه ای برای زندگی بهتر، تازه های روانشناسی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۲ .

^۲ -www.beytoote.com، مجموعه ای برای زندگی بهتر، تازه های روانشناسی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۲ .

فصل دوم

آثار اخروی

— درخشش صورت

— بخشیده شدن گناهان و نزول نعمت

— مهمان راهنمای بهشت

— حرام شدن جهنم

— مضاعف شدن پاداش

۴-۲- آثار اخروی

۴-۲-۱- درخشش صورت

در روز قیامت هر کس هر عملی انجام داده باشد، اثر آن در چهره او نمایان خواهد شد و همه مردم او را از چهره‌اش خواهند شناخت.

کسی که در دنیا مهمان‌نوازی کرده و مهمان‌دوست بوده، در قیامت چهره‌اش مانند ماه شب چهارده خواهد درخشید و به وسیله آن وارد بهشت خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ مؤمنی نیست که مهمان را دوست داشته باشد، مگر این که در روز قیامت وقتی از قبر بیرون آید صورتش مانند ماه شب چهارده بدرخشد. کسانی که او را می‌بینند، می‌گویند: آیا پیغمبر مرسل است که این قدر نورانی است! اما در جواب آنها گفته می‌شود: او پیغمبر و نبی نیست، بلکه مؤمنی است که مهمان را دوست می‌داشته و او را اکرام کرده است و راهی برای او نیست جز این که داخل بهشت شود.»

۴-۲-۲- بخشیده شدن گناهان و نزول نعمت

^۱ - حسن، محدث نوری، همان کتاب، ج ۱۶، ص ۲۵۷.

معمولا اگر کسی برادر دینی خود را زیاد دوست داشته باشد، دنبال فرصتی است که دوستی و محبت خود را به او ابراز کند.

یکی از راه‌های ابراز علاقه انسان‌ها به یکدیگر هدیه دادن است. هدیه دادن به این معنا است که من از تو کینه‌ای در دل ندارم. تو در دل من جای داری و خطاهای تو را بخشیده‌ام.

خداوند تبارک و تعالی هم اگر بنده‌ای را زیاد دوست داشته باشد و بخواهد او را ببخشد، تا با بار گناه وارد صحرای محشر نشود، از هر راهی استفاده می‌کند. یکی از این راه‌ها هدیه‌ای است که برای بنده خود می‌فرستد؛ بهترین هدیه از طرف خدا فرستادن مهمان است. مهمان هدیه‌ای است که از طرف خدا می‌آید. هدیه را باید با جان و دل قبول و از آن خوب محافظت کرد و به آن رسید.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وقتی خداوند عزوجل خیر بنده‌ای را بخواهد، هدیه‌ای برای او می‌فرستد.»

بعضی از اصحاب پرسیدند: آن هدیه چیست؟

فرمود: مهمان است، که روزی خود را می‌آورد و گناهان اهل آن خانه را با خود می‌برد.^۱

چه لطف و هدیه‌ای از این بالاتر که انسان به واسطه مهمان گناهایش آمرزیده شود و فردای قیامت بدون گناه در محضر خدا حاضر شود.

^۱ - حسن، محدث نوری، همان کتاب، ج ۱۶، ص ۲۵۷.

متاسفانه خیلی از خانواده هایی که از مهمان متفرند، و از مهمانداري مي ترسند، به اين خاطر است که مي گويند: خرج ما زياد مي شود و بچه هاي ما گرسنگي خواهند کشيد! و حال آن که طبق روايات، مهمان علاوه بر اين که سربار صاحبخانه نيست، بلکه روزي خود و آن خانواده را به همراه مي آورد و گناهان آن خانواده به واسطه مهمان بخشيده مي شود.

حضرت علي عليه السلام مي فرمايد: «هيچ مؤمني نيست که صدای پای مهمان رابشنود و به واسطه آمدن مهمان خوشحال بشود، مگر اين که گناهانش آمرزيده شود؛ حتی اگر به اندازه مسافت بين زمين و آسمان باشد»^۱

«آورده اند که در زمان رسول خدا صلی الله عليه وآله شخصی بسیار مهمان دوست بود، ولی زنی بسیار خسیس داشت..

آن مرد از ترس اعتراض و فرياد بر آوردن زن، از پذيرش مهمان بسيار کراهت داشت. از اين رو برای حل اين مشکل روزي خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله عليه وآله رفت و کيفيت احوال و ماجرا را تعريف کرد و از ايشان راه چاره خواست.

حضرت فرمود: به خانه برو و به آن زن بگو: وقتی مهمان مي آيد، از لای در مهمانها را مشاهده کن و هنگام بيرون رفتن مهمان به پشت سر ايشان خيره شو و نگاه کن تا ببيني خداوند تبارک و تعالی چه خير و برکتی در حق مهماندار عنایت کرده است.

آن مرد به خانه رفت و به زن خود گفت: امروز رسول خدا صلی الله عليه وآله را بادو سه نفر به مهمانی طلبیده ام. بنابراین توقع دارم کج خلقی نکنی و بخل رافرو گذاری. حضرت فرموده اند: در حال داخل شدن و بيرون رفتن مهمان، آنها را نگاه کن تا آنچه را خدای تعالی به برکت مهمانی ارزانی داشته است، ببینی.

مرد همسر خود را با هزار عجز و التماس راضي کرد و اسباب ضيافت راتهييه نمود.

^۱ - حسن، محدث نوری، همان کتاب، ج ۱۶، ص ۲۵۷.

چون وقت داخل شدن مهمانان شد، زن از لای در نگاه کرد و با تعجب دید در دامن مهمانان گوشت و میوه‌های بسیار است و آنان با این وضع داخل منزل شدند.

زن از دیدن این منظره بسیار خوشحال شد و چون وقت بیرون رفتن مهمانان شد، باز از همان‌جا نگاه کرد. دید گزنده‌ها و مار و کژدم‌های بسیار، در دامن ایشان آویخته، از خانه بیرون می‌روند.

زن تعجب‌کنان نزد شوهر آمد و گفت: هنگام ورود و خروج مهمان‌ها چنین چیزی دیدم. تعبیر آن چیست؟
مرد گفت: من دلیل آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهم پرسید.

پس از این گفت‌وگو، روز بعد مرد به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد: یا رسول الله! عیال من چنین نعمت‌هایی در هنگام داخل شدن مهمانان دیده و در وقت بیرون رفتن هم مشاهده نموده است که گزنده‌ها به دامن آنها آویزانند و بیرون می‌روند!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن نعمت‌ها برکت‌هایی است که خداوند عالم به سبب مهمانی و میزبانی ارزانی فرموده و آن گزنده‌ها، گناهان صاحبخانه است که بیرون می‌رود.

پس از آن، زن چنان راغب مهمان شد که تمام عمر در مهمانی دادن، به شوهر خود سفارش می‌کرد.^۱ «

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وقتی مهمان بر قومی وارد می‌شود، روزی او از آسمان نازل می‌گردد و وقتی از غذای صاحبخانه می‌خورد، خداوند گناهان اهل خانه را به سبب نزول مهمان می‌بخشاید.»^۲

^۱ - محمد بن حسین، بهایی، آثار و اشعار شیخ بهائی، جلد دوم، قم: انتشارات ارم، ۱۳۷۴، ص ۱۵۶.

^۲ - محمد بن حسن، حر عاملی، ج ۱۶، ص ۴۵۹.

« حسین بن نعیم صحاف می‌گوید: امام جعفر صادق علیه السلام از من پرسید: ای حسین! آیا برادران دینی‌ات را دوست

داری؟

عرض کردم: آری.

فرمود: آیا به مستمندان آنان سود می‌رسانی؟

گفتم: آری، قربانت گردم.

فرمود: همانا بر تو لازم است که دوست داشته باشی کسی را که خدا او را دوست دارد. به خدا قسم! به هیچ‌یک از آنها

سود نرسانی جز آن‌که دوستش داشته باشی. آیا آنها را به منزلت دعوت می‌کنی؟

عرض کردم: آری، غذا نمی‌خورم مگر آن‌که دو یا سه تن یا کمتر یا بیشتر از آنها همراه باشند.

حضرت فرمود: باین حال، فضیلت آنها بر تو بیش از فضیلت تو بر آنهاست!

با تعجب پرسیدم: قربانت گردم! غذای خود را به آنها می‌خورانم و آنها را روی فرشم می‌نشانم و خدمت آنها را می‌کنم،

باز فضیلت آنها بر من بیشتر است؟!!

فرمود: آری، چون هرگاه آنها به منزلت آیند، همراه آمرزش تو و عیالت می‌آیند و چون از منزلت بیرون روند، با گناه تو

و عیالت بیرون می‌روند.^۱»

۴-۲-۳- مهمان راهنمای بهشت

^۱ - محمد بن یعقوب، کلینی رازی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۸۹، ح ۸.

شاید این عنوان برای ما عجیب باشد ولی خیلی از ما که خود را به هر آب و آتشی می‌زنیم که شاید لایق بهشت شویم نمی‌دانیم که با مهمانی دادن، مسیر خود را به بهشت هموار کرده ایم گوشه‌ای از سخنان پیامبر و معصومین در این باره بدین شرح است.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مهمان راهنمای بهشت است».^۱

امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس سه تن از مردم خداشناس را غذا دهد، خداوند تبارک و تعالی

او را از سه بهشت که عبارتند از: فردوس اعلی، جنت عدن و طوبی غذا می‌دهد».^۲

آن حضرت در روایت شریفه دیگری می‌فرماید: «هر کس گرسنه‌ای را سیر گرداند، بهشت بر او واجب می‌شود».^۳

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس گرسنه‌ای را سیر گرداند، خداوند برای وی خوانی در بهشت ترتیب می

دهد که همه خلایق جن و انس از سر آن سفره سیر برخیزند».^۴

۴-۲-۴- حرام شدن جهنم

^۱ - حسن، محدث نوری، همان کتاب، ج ۱۶، ص ۱۵۷.

^۲ - محمد بن علی، ابن بابویه (صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تهران: ابن بابویه، ۱۴۰۲، ق، ص ۳۰۵.

^۳ - همان، ص ۴۰۸.

^۴ - همان، ص ۲۰۶.

«روزی شخصی بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله! من مردی هستم که خوب وضو می گیرم، نماز را مرتب می خوانم، زکات مالم را به موقع می پردازم و با رضایت خاطر مهمان دعوت می کنم. حال من فردای قیامت چگونه است؟»

حضرت فرمود: جهنم هیچ راهی بر تو ندارد. اگر واقعا این طور باشی خداوند تو را از سختی ها نجات می دهد.»

۴-۲-۵- مضاعف شدن پاداش

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس مؤمنی را طعام دهد و قصدش نزدیکی به خدا باشد، مانند کسی است که فئامی از مردم را سیر گرداند!

ربعی می گوید: از حضرت پرسیدم: معنی «فئام» چیست؟

فرمود: یکصد هزار تن از مردم را فئام گویند.^۱»

ثواب غذا دادن به برادر دینی و دعوت کردن او حتی از غذا دادن به فقرا گرسنه بیشتر است، زیرا این کار علاوه بر این که عمل کردن به سفارش ائمه اطهار علیهم السلام است، موجب می شود در قلوب مؤمنان الفت و نزدیکی بیشتری به وجود آید و آنها قوی تر گردند و در نتیجه عزت و سربلندی اسلام بیشتر شود. پس مؤمن به این طریق با یک تیر دو نشان می زند، در حالی که در صورت اول فقط ثواب مهمانداری را می برد..

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: هر کس چهارتن از مسلمانان را اطعام کند، مانند آن است که چهار تن از اولاد اسماعیل ذبیح الله را از اسارت نجات داده است.^۱

^۱ - محمد بن علی ، ابن بابویه (صدوق) ، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ، ص ۳۰۴ .

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر یک برادر مؤمن را که برای خدا با او برادری می‌کنم، سیر کنم، بهتر است نزد من

از آن که ده مسکین را سیر کنم.^۲

«شخصی خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید و سؤال کرد: چه عملی ثوابش مساوی با آزاد کردن یک بنده

است؟

حضرت فرمود: غذا دادن به یک شخص مسلمان مؤمن.^۳

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر مؤمنی را اطعام کنم، نزد من بهتر است از این که به دیدارش بروم،

و اگر به دیدارش بروم، نزد من بهتر و محبوب‌تر است از این که ده بنده را آزاد کنم.^۴

نصر بن قابوس می‌گوید: روزی نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودیم. آن حضرت فرمود: طعام دادن به یک مؤمن نزد

من محبوب‌تر است از آزاد کردن ده بنده و گزاردن ده حج!

عرض کردم: ده بنده و ده حج؟! حج!

فرمود: ای نصر! اگر شما طعامش ندهید، می‌میرد یا زبون می‌شود، زیرا اواز فشار گرسنگی نزد ناصبی‌ها و دشمنان ما

می‌رود و از آنان درخواست می‌کند و مردن برایش بهتر از درخواست کردن از ناصبی است.

ای نصر! هر که مؤمنی را زنده کند، مثل این است که همه مردم رازنده کرده است. اگر به او طعام ندهید، او را

کشته‌اید و اگر اطعامش کنید، او را زنده کرده‌اید.^۱

^۱ - محمد بن علی ، ابن بابویه (صدوق) ، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ، ص ۲۰۶ ، ح ۳ .

^۲ - محمد باقر ، مجلسی ، حلیه المتقین ، ص ۶۰ .

^۳ - محمد بن یعقوب ، فروع کافی ، ج ۱ ، ص ۱۷۶ .

^۴ - محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، ج ۳ ، ص ۲۹۰ ، ح ۱۶ .

و نیز آن حضرت فرمود: اگر پنج درهم بگیرم و به بازار شما درآیم و طعامی بخرم و چند نفر از مؤمنان را گرد آورم،

نزد من محبوب تر است از این که بنده‌ای را آزاد کنم.^۲

بخش پنجم :

^۱ - محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، ج ۳، ص ۲۹۱، ح ۱۸ .

^۲ - همان ، ص ۲۹۱، ح ۲۰ .

راه های ترویج مهمان نوازی

– رعایت حقوق افراد خانواده

– صداقت در رفتار

– وضعیت چیدمان منزل

– رعایت سادگی

۵-۱- رعایت حقوق افراد خانواده

مهمان نوازی جزء اخلاقیات و خصوصیات است که به خوب بودن آن اعتقاد داریم اما این خصلت

باید به گونه ای باشد که ما در تمام شرایط و زمان ها بتوانیم مهمان نواز باشیم اگر مهمان نواز بودنمان به حق و

حقوق افراد خانواده صدمه ای وارد کند قطعاً به مرور زمان این ویژگی در خانواده هایمان رو به افول می گذارد

ولی اگر باهم فکری و تعامل افراد خانواده باشد می توانیم افراد مهمان نوازی باشیم در کتاب انسان کامل به گوشه ای از این نوع رفتار این گونه اشاره می نماید:

«بعضی از ما خصلتی داریم و یا به خودمان می بندیم و اسمش را مهمان نوازی می گذاریم و می گوییم ما مرد هستیم و در خانه مرد باز است! همیشه یک مهمان می آید و دیگری می رود برای نهار و شام مهمان دارد و مهمان شب خواب هم به خانه اش دعوت می کند. این فی حد ذاته خوب است ولی از آن طرف دیگر یک ملاحظه ای را نمی کنیم. بسا هست که به آن زنی که در خانه ما هست که ما شرعا حق نداریم به او فرمان بدهیم و او آزاد و مختار است که اگر میلش باشد در خانه ما کار کند، فشارها و زحمت هایی را تحمیل می کنیم و اسمش را مهمان نوازی می گذاریم و می گوئیم در خانه ما باز است و ما مهمان نواز هستیم، مهمان نوازی که مستلزم ظلم به یک انسان باشد، مهمان نوازی نیست. علی ابن ابی طالب (علیه السلام) در خانه با همسرش زهرا (سلام الله علیها) همکاری می کند، کار خانه را زهرا به اختیار خودش انتخاب کرده و علی (علیه السلام) به او تحمیل نمی کند، در عین حال علی (علیه السلام) می خواهد فشاری بر همسر عزیزش وارد نیاید حال آیا این مهمان نوازی و انسان دوستی است که آدم دائما مهمان بیاورد و آن زن بدبخت، اگر یک روز احساس خستگی کند، انسان پدرش را درآورده بگوید اگر نمی خواهی از خانه من بیرون برو؟ پس این ها هم عاطفه اجتماعی نیست بله، اگر واقعا چیزی به مرحله ایشار برسد آن چیز دیگری است. انسانی که می خواهد عملش براساس عاطفه اجتماعی باشد اول باید از مرحله عدالت بالاتر بیاید یعنی عادل باشد و به حقوق مردم تجاوز نکند و اگر می خواهد از حقوق مشروع خود ایشار کند مانعی ندارد لهذا بزرگانی از علماء را سراغ داریم که مقید بودند هیچ وقت کوچکترین تجاوزی به حق کسی نکنند این ها در داخل خانه حاضر نبودند حتی یک بار به صورت یک امر، از همسر یا فرزندشان چیزی بخواهند. درباره مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی (رضوان الله علیه) که از مراجع تقلید بسیار بزرگ و استاد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بودند نقل کرده اند که هیچ وقت به اهل خانه فرمان نمی داد حتی یک وقت که ایشان مریض بودند و خانواده ایشان برایشان

شوربا(آش برنج) تهیه کرده بودند بچه ها آمده بودند و غذا را دم در گذاشته و رفته بودند ایشان هم مریض و در گوشه اتاق بستری بود و نمی توانست از جا بلند شود چند ساعت گذشت وقتی آمدند دیدند غذا را نخورده است . چرا؟ برای این که مستلزم این بود که یکی از بچه ها را صدا کند و بگوید این کار را برای ایشان انجام بدهد . شبیه می کرد که آیا شرعا برای من جایز است زخم را از آشپزخانه صدا کنم و بگویم این کار را انجام دهد؟ حال در آنجا کاری به میل و رضای خودش می کند و من هم به او دستور نداده ام و خودش می گوید که مایلم در آشپزخانه کار کنم اما کاری را که مستلزم این باشد که من به او فرمان دهم ، نمی کنم ، پس عاطفه آن وقت عاطفه است و ایثار آن وقت است که برای خود نمائی و از روی خودخواهی نباشد^۱»

۵-۲- صداقت در رفتار

مهمانی یک رابطه دو طرفه است هر دو طرف میزبان و مهمان باید به این رابطه رضایت داشته باشند تا

مهمانی دادن و مهمانی رفتن برای هر دو آنها لذت بخش نباشد.

^۱ - مرتضی ، مطهری ، انسان کامل ، چاپ ۳۸ ، تهران: انتشارات صدرا ، ۱۳۸۵، ص ۲۶۱-۲۶۴ .

کسی که برادر دینی اش را به مهمانی دعوت می کند یا به او تعارف می کند برای خوردن غذا به منزل او برود باید حتی المقدور قدرت پذیرایی داشته باشد و اگر خدای نخواستہ برای خودنمائی تعارف کند و گمان کند با تعارف کسی به مهمانی اش نمی رود کاری بسیار زشت و ناپسند انجام داده است . چون دعوت باید با رضایت کامل باشد تا مورد قبول خداوند عزیز قرار گیرد ، اگر کاری یک ذره با ریا باشد آن عمل را خداوند قبول نمی کند اگر دوست ندارد کسی مهمان او شود یا قدرت پذیرایی ندارد نباید به کسی تعارف و در ظاهر دیگران را دعوت کند .

«حال اگر میزبان آمادگی پذیرایی از مهمان ناخوانده اش را نداشته باشد چند حالت پیش می آید یا مجبور است همانند ملانصرالدین رفتار کند که او روزی مهمانی را همراه خود تا در خانه آورد و خود به داخل خانه رفت، زنش با او دعوا کرد که چرا مهمان آوردی و ما چیزی نداریم که به او بدهیم و کار بدی کردی . ملا گفت چه بکنم؟ گفت من که اصلاً پذیرایی نمی کنم . درماند که چه کند ؟ به بچه ها گفت : بروید بگویید ملا در خانه نیست . مهمان گفت : ما باهم آمدیم . در این جا ملا خودش صدایش را بلند کرد و گفت : شاید خانه دو در داشته و از آن در دیگر بیرون رفته است ! اغلب در این جور موارد کارها ملانصرالدینی است یعنی وقتی می آیند می گویند : آقا نیست خود مهمان می فهمد که دروغ می گوید چون وقتی یک کسی دم در می آید و می گوید بروم بینم آقا خانه هست یا نه ، معلوم است تو که از داخل خانه می آیی می دانی هست یا نه ، این «بروم بینم هست یا نه» یعنی بروم بینم آقا می گوید که راستش را بگویم یا دروغش را بگویم . قضیه این جور است و تعجب است با این که همه می دانند ، مهمان می داند میزبان هم می داند باز هم این دروغ تکرار می شود پس یک شکل قضیه این است که یک دروغ گفته می شود یک شکل دیگر قضیه این است که صاحب خانه می گوید : بفرمایید ، خیلی هم نفاق به خرج می دهد : خیلی خوش آمدید ، صفا آوردید ! اما در دلش دائماً فحش می دهد که این چه بلایی بود که این ساعت رسید ما هزار کار داریم ، عجب مردم بی تربیت ، بی ادبی هستند ! چه خروس های بی محلی و چه مزاحم هایی ! بعد هم که مهمان بیرون رفت جلو زن و بچه هایش صد تا فحش می دهد دیگر آن بچه چه از آب در می آید بچه ای که می بیند پدرش آنقدر

شهامت ندارد که به مهمان بگوید آقا من نمی توانم تو را بپذیرم و جلوی مهمان خیلی کوچک و بزرگ می شود و خوش آمد می گوید و پشت سرش فحش می دهد . شکل سوم قضیه این است که میزبان و صاحب خانه کارش را خوب انجام می دهد و دم در می آید و می گوید : آقا من متاسفم از این که نمی توانم شما را بپذیرم الان کار واجبی دارم یا یک نفر را می فرستد که به او بگوید من الان کار لازمی دارم و نمی توانم شما را بپذیرم . صاحب خانه کارش خوب است ولی ضعف اخلاق مربوط به مهمان است زیرا به او برمی خورد ، هر جا که می نشیند می گوید در خانه فلان کس رفته و مرا نپذیرفت نمی گوید من با اجازه قبلی نرفته بودم ، نمی گوید او که نپذیرفت عذر داشت . تو باید بنا را بگذاری بر این که او عذر داشته و باید خوشتر بیاید که میزبان تو یک شخص با شهامت و صریحی بوده که به تو دروغ نگفته است و راستش را گفته . این هم شکل سوم آنچه امروز عمل می شود یا آن دو شکل است مربوط به میزبان و یا این شکل است مربوط به مهمان . ولی شکل چهارم که اسلام آن شکل را می پسندد دیگر در جامعه ما وجود ندارد و آن این است که اگر میزبان وقت ندارد و نمی تواند او را بپذیرد در کمال صراحت بگوید : آقا معذرم نمی توانم شما را بپذیرم و مهمان هم بدون این که به او برخورد برگردد و برود . قرآن کریم در سوره نور آیه ۲۸ این شکل را دستور می دهد و می فرماید : « وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَأَرْجِعُوا » و اگر به شما گفتند نمی توانیم شما را بپذیریم برگردید « هُوَ أَزْكَى لَكُمْ » این برایتان پاک تر است . این شکل چهارم از آن سه شکل برایتان بهتر است « وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ » خدا به کارهای شما آگاه و داناست .^۱

آنچه باعث شده است که مهمان نوازی در جامعه ما رو به کاستی رود همین رفتارهای دو گانه ما با یکدیگر است در صورتی که اگر با راستی و صداقت باهم برخورد کنیم نه خودمان از یکدیگر آزرده می شویم، نه درس دروغ گویی یا ریا را به کودکانمان یاد می دهیم .

^۱ - مطهری ، مرتضی ، آشنایی با قرآن ، ج ۴ ، ص ۷۹-۸۱ .

۵-۳- چیدمان منزل

«موقع چیدمان دکوراسیون منزل ، فکر مهمان را هم بکنید تا بعدا به دلیل مهمان داری متحمل ضرر و زیان نشوید وقتی

فرش هایی با زمینه بسیار روشن بخرید یا مبلمانی شیک اما بسیار آسیب پذیر تهیه کنید به زودی متوجه خواهید شد که جایی برای

مهمان ندارید . مخصوصا مهمانی که کودکی به همراه داشته باشد ، بنابراین اگر می خواهید شخص مهمان نوازی باشد باید منزلتان را

به گونه ای بسازید و مرتب کنید که در صورت داشتن مهمان آسوده بوده و آرامش داشته باشید نه این که به خاطر وسایل منزل و یا چیدمان منزل مجبور باشید که مهمان نداشته باشید.^۱»

۵-۴- رعایت سادگی

تجملات زندگی و چشم و هم چشمی های بی جا ، زندگی را دشوار ساخته است تهیه اسباب و لوازم منزل از صورت حقیقی خارج شده و به صورت تجمل گرایی و خودنمایی درآمده است و همین موضوع باعث کم

^۱ -www.beytoote.com، مجموعه ای برای زندگی بهتر ، تازه های روانشناسی ، ۱۴/۱۰/۱۳۹۲ .

شدن مهمانی ها و رفت و آمدها شده است شاید بیشتر مردم بی میل نباشند که با دوستان و خویشانانشان رفت و آمد کنند اما چون نتوانسته اند بر طبق دل خواه دیگران اسباب و تجملات زندگی را فراهم سازند و زندگی خویشان را ناقص می پندارند از رفت و آمد امتناع دارند این فکر غلط واقعا دست و پای مردم را بسته و دنیا و آخرت را تباه خواهد ساخت حل این مشکل را می توان این گونه بیان کرد : «آقا و خانم محترم مگر دوستان و اقوام برای تماشای اسباب لوکس به منزل ما می آیند ؟ اگر چنین منظوری دارند بهتر است به فروشگاه ها و موزه ها بروند مگر نمایشگاه اشیای لوکس باز کرده ایم و برای خودنمایی آنها را به منزل دعوت می نماییم؟ رفت و آمد برای ترویج محبت است نه برای فخر ، مباهات و خودنمایی ، مهمانی ها برای پر کردن شکم و تماشای منزل ما نمی آیند بلکه مهمانی را یک نوع احترام می شمارند . »

«مطمئن باشید آنان هم از این رقابت ها و تجمل گرایی به تنگ آمده اند و سادگی را دوست دارند پس بیاید این رسم های غلط را کنار گذاشته و خودمان را از این قید و بندها آزاد نماییم . اگر من و شما با سادگی از آنان پذیرایی کنیم ، نه تنها بدشان نمی آید بلکه خشنود هم خواهند شد و بعدها از همین روش ساده ما پیروی خواهند نمود و بدون تکلف و سختی از ما پذیرایی خواهند کرد^۱»

«گویند در زمان قدیم دو نفر بودند که رفاقت و صمیمیت آنها زبانزد خاص و عام بود و خیلی با صداقت رفتار می کردند . روزی یکی از آن دو دوست به مهمانی دوست خود رفت . میزبان در ضیافت او تکلف کرد و انواع غذاها را آماده کرد و اگر پول نداشت ، از مغازه ها نسیه گرفت تا به مهمان خوش بگذرد .

بعد از سه روز مهمان عزم رفتن کرد ، و وقت خداحافظی گفت : واقعا که رسم مهمانداری را بلد نبودی ! اگر زمانی به مهمانی من بیایی ، به تو آیین مهمانداری را یاد می دهم .

^۱ - www.andisheqom.com، مرکز مشاوره موسسه امام خمینی (ره) ، جزوه مهمانداری، ۱۳۹۲/۱۰/۲۵.

میزبان خجل شد و اندیشید در ضیافت او چه کوتاهی کرده و کدام نکته را فرو گذاشته و انجام نداده ام .

مدتی در این اندیشه بود تا این که روزی او را بدان شهر دوست سفری اتفاق افتاد و به خانه دوستش رفت .

آن دوست مقدم او را عزیز داشت و فوراً نان و سرکه پیش آورد . آنگاه سفره ، کاسه ای چوبی و سه نوع خوردنی پیش او

نهاد . مهمان با خود فکر کرد شاید فردا تکلف می کند و پذیرایی اصلی را انجام می دهد ، اما روز دیگر نیز غذای سرد پیش او نهاد!

مرد متحیر شد و با خود گفت : چندان که تکلف کردم ، در مهمانداری مرا مقصر خواند ، پس چرا خود تکلف نمی کند ؟

روزی شرم و خجالت را به کناری نهاد و از او پرسید : دوستان این طور مهمانداری می کنند؟! میزبان گفت : آری ، تکلف

مال بیگانگان است . وقتی من به منزل تو آمدم ، خواستم یک ماه تو را ببینم و در خدمت تو باشم . چون طریق تکلف پیش داشتی ،

دانستم از وجود من به تنگ آمده ای . پس کفش در پای کردم و از خدمت تو دور شدم . و چون تو آمدی ، من از معمول خویش

زیادت نمی کنم و زیاده روی نمی نمایم ، و بر وجود تو متنی نمی نهم ، و اگر یک سال هم مهمان من باشی ، مرا هیچ بار گرانی

نخواهد بود .

مرد عاقل بود و انصاف بداد و یقین کرد تکلف کردن با مهمان از عادت کرام نیست ، و روی ترش کردن با مهمانان جز

سیرت لئیمان نباشد.^۱

میزبان نباید آنچه را برای مهمان حاضر می کند ، کم و حقیر شمارد و آن را در شان مهمان نداند ، چون

در این صورت نعمت خدا را ناچیز شمرده و این خود ناسپاسی است .

اگر انسان برادر دینی اش را دعوت کرد ، باید تا توان دارد ، از او پذیرایی کند و وسایل رفاه و آسایش او

را فراهم نماید .

^۱ - سدیدالدین ، عوفی ، همان کتاب ، ص ۲۱۲

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «اگر کسی هزار درهم را صرف طعامی کند و مومنی از آن بخورد، اسراف نکرده

است.^۱»

اسراف آن است که کسی غذایی درست کند و بدون این که خورده شود، آن را دور بریزند، اما اگر غذایی گران قیمت درست کند که خود و خانواده اش یا مومنی از آن بخورند، اسراف نیست. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «از غذاهای حلال بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید» هر نوع غذایی را این آیه در بر می گیرد مگر غذاهای حرام و شبهه ناک را.

متأسفانه عده ای از افراد پولدار و ثروتمند، تحت عنوان مهمانی و پذیرایی از مهمان، اسراف می کنند و به عنوان عمل کردن به دستور اسلام، اسلام را بد نام کرده و دستورهایی دینی را مسخره نموده، آبروی اسلام را برده و مایه ننگ اسلام شده اند. عده ای فرمانروایان با این بهانه، بیت المال را به باد فنا داده و حق فقرا را از بین برده اند.

نتیجه

نتیجه ای که میتوان از این تحقیق گرفت یافت اهمیت فراوان مساله ضیافت است اگر به همه جنبه های زندگی به دیده تعادل بنگریم خواهیم یافت اسلام یک دین متعادل و همه جانبه است که با اعتدال کامل هر دو طرف ضیافت را مورد بررسی قرار داده است هر کدام یک از ما باید به وظایف خود آشنا باشیم تا این سنت حسنه پیامبر(صلی

^۱ -محمد باقر، مجلسی، حلیه المتقین، ص ۶۰.

الله عليه وآله) رو به فراموشی نرود و این منوط به این است که دستورات اسلام راهمه جانبه رعایت کنیم آنچه از آداب مهمانی اسلامی میتوان فهمید این است که مهمان توقع بی جا و زیادی از میزبان نداشته باشد و میزبان نیز بیش از اندازه خود را به تکلف نیندازد هر دو طرف ضیافت در زندگی مادی خود افزایش روزی، صمیمیت با یکدیگر و مضاعف شدن پاداش را به دست می آورند و در زندگی اخروی از برکات بی نهایت این امر برخوردار خواهند شد اگر در ضیافت ها افراد خانواده حقوق یکدیگر را رعایت کنند و میزبان و مهمان با یکدیگر صادق باشند و سادگی را سر لوحه مهمانی قرار دهند همه ما مهمان نواز خواهیم بود و در عین حال با رعایت درست آداب مهمانی کلاس عملی برای کودکانمان داشته باشیم که درس محبت، احترام، صداقت و مهمان نوازی را از ما بیاموزند.

منابع

❖ قرآن کریم

۱- اکبری ، محمود ، احترام و تکریم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ .

۲- الحسینی ، مجدالدین محمد ، زینه المجالس ، چاپ دوم تهران: کتابخانه سنایی ، ۱۳۶۲ .

- ۳- الشعیری ، تاج الدین محمد بن محمد الشعیری ، جامع الاخبار، چاپ اول ، قم : آل البيت ، ۱۴۱۴ق .
- ۴- الحمیری ، ابوالعباس عبدالله بن جعفر ، قرب الاسناد ، چاپ اول ، قم : آل البيت ، ۱۴۱۳ق .
- ۵- البرقی ، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد ، المحاسن ، چاپ اول ، قم : اهل بیت ، ۱۴۱۳ .
- ۶- آلوسی ، محمود بن عبدالله ، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی ، بیروت : دارالکتب العلمیه ، ۱۴۱۵ق .
- ۷- ابن منظور ، محمد بن مکرم ، لسان العرب ، بیروت : دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع ، ۱۴۱۴ق
- ۸- ابن بابویه ، محمد بن علی ، عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ترجمه : حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری ، تهران : نشر صدوق ، ۱۳۷۲ .
- ۹- _____ ، خصال ، چاپ دوم ، قم : انتشارات جامعه مدرسین ، ۱۴۰۳ .
- ۱۰- _____ ، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ، تهران: ابن بابویه ، ۱۴۰۲ق
- ۱۱- آذرتاش ، آذرنوش ، فرهنگ معاصر عربی- فارسی ، تهران ، نشر نی، ۱۳۷۹ .
- ۱۲- بهایی ، محمد بن حسین، آثار و اشعار شیخ بهائی ، جلد دوم ، قم : انتشارات ارم ، ۱۳۷۴ .
- ۱۳- تبریزی ، جواد ، صراط النجاه ، قم : دارالصدیقه الشهیده (سلام الله علیها) ، بی تا .
- ۱۴- تبریزی ، محمد حسین ، فرهنگ فارسی به فارسی مهر ، تهران: نشر فراسوگستر ، ۱۳۸۷ .

۱۵- جبران ، مسعود ، الرائد ، ترجمه : رضا انزابی نژاد ، جلد ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی ،

۱۳۸۰ .

۱۶- جر، جلیل ، فرهنگ لاروس (عربی- فارسی)، ج ۲، ترجمه : حمید طیبیان، تهران : انتشارات امیر

کبیر، ۱۳۸۷

۱۷- حائری ، محمد مهدی ، شجره طوبی ، چاپ پنجم ، قم: مکتبه بصیری ، ۱۳۸۵ .

۱۸- حسینی دشتی ، مصطفی ، معارف و معاریف ، جلد ۷، تهران: موسسه فرهنگی آرایه ، ۱۳۷۹

۱۹- حویزی ، عبدبن علی بن جمعه ، تفسیر نورالثقلین، چاپ اول ، قم: اسماعیلیان ، ۱۴۱۵ه ق .

۲۰- حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسائل الشیعه ، چاپ سوم ، تهران : مکتب اسلامیه ، ۱۳۸۸ه ق .

۲۱- دهخدا ، علی اکبر ، امثال و حکم دهخدا ، تهران : انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۸۳ .

۲۲- _____ ، لغت نامه ، چاپ اول ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۶۷ .

۲۳- راغب اصفهانی ، ابوالقاسم حسین بن محمدبن فضل ، مفردات ، چاپ چهارم، قم: چاپ ستاره

۱۳۸۷ .

۲۴- سبزه ای ، جواد ، حکایت ها و لطیفه ها ، چاپ اول ، تهران : انتشارات ناس ، ۱۳۶۸ ش .

۲۵- سیوطی ، جلال الدین عبدالرحمن ، درالمنثور فی التفسیر بالماثور ، قم : کتابخانه آیت الله مرعشی

نجفی ، ۱۴۰۴ ق .

۲۶- طبرسی ، ابوعلی الفضل بن الحسن ، تفسیر مجمع البیان ، ترجمه: علی کرمی ، تهران: انتشارات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۲ه.ش.

۲۷- _____ ، مکارم الاخلاق ، چاپ دوم ، قم: شریف رضی ، ۱۳۷۰ .

۲۸- طباطبائی ، محمد حسین ، ترجمه تفسیر المیزان ، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی ، چاپ سوم ،

قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه ، ۱۳۷۴ه ش .

۲۹- عوفی ، سدیدالدین ، جوامع الحکایات ، جلد پنجم، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی ، بی تا .

۳۰- عمید ، حسن ، فرهنگ فارسی عمید ، تهران : انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۶۲ .

۳۱- فرداده ، م ، گنجینه لطایف ، چاپ هفتم ، تهران : انتشارات بنیاد ، ۱۳۷۲ .

۳۲- رازی ، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین (فخر رازی)، تفسیر فخر رازی ، تهران : خانه کتاب ،

۱۳۸۹ .

۳۳- فیض کاشانی ، محسن ، محجه البیضاء ، تهران: انتشارات جامعه مدرسین قم ۱۳۴۰.

۳۴- فاضل لنکرانی ، محمد ، جامع المسائل ، قم: امیرالمومنین ، ۱۳۸۰ .

۳۵- قمی ، عباس ، السفینه البحار ، چاپ دوم ، تهران : چاپ سنگی ، ۱۳۵۵ه ق .

۳۶- قرائتی ، محسن ، تفسیر نور ، چاپ پنجم ، قم: انتشارات در راه حق ، ۱۳۷۹ .

۳۷- قرشی ، علی اکبر ، قاموس قرآن ، جلد ۴، تهران: دارالکتب اسلامیة ، ۱۳۷۱.

۳۸- قطب راوندی ، سعید بن هبه الله ، الدعوات للراوندی ، بی جا: انتشارات مدرسه امام مهدی ، ۱۴۰۷

ه ق .

۳۹- کلینی رازی ، محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، تهران، منشورات دارالکتب اسلامیه ، ۱۳۶۳ه ق .

۴۰- _____ ، فروع کافی ، چاپ سوم ، تهران : دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۸.

۴۱- محمدی ، نورمراد ، مهمانداري در اسلام ، بی جا : موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت ، بی تا

۴۲- محمدی ، نورمراد ، مهمان در اسلام، قم : مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، بی

تا .

۴۳- مطهری ، مرتضی ، آشنایی با قرآن ، تهران: بنیاد علمی ، فرهنگی شهید مرتضی مطهری ، ۱۳۶۸ه.ش.

۴۴- _____ ، انسان کامل ، چاپ ۳۸ ، تهران: انتشارات صدرا ، ۱۳۸۵

۴۵- مراغی ، احمد مصطفی ، تفسیر مراغی ، بیروت : دارالفکر ، ۱۹۷۴م.

۴۶- مدنی تبریزی ، یوسف ، منهاج الاحکام ، قم: انتشارات ایت الله مدنی تبریزی ، ۱۴۲۹ق.

۴۷- معطوف ، لوئیس ، المنجد ، ترجمه : ابراهیم محدث ، چاپ اول ، قم : انتشارات دارالعلم ، ۱۳۸۲ .

۴۸- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، چاپ ۱۹ ، تهران : دارالکتب اسلامیه ، ۱۳۸۰ .

۴۹- محدث نوری ، حسن ، مستدرک الوسائل ، چاپ دوم ، قم : موسسه آل البيت الاحیاء التراث ، ۱۴۰۷ه

ق .

۵۰- مجلسی ، محمد باقر، بحارالانوار ، تهران : دارالاکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۲ .

۵۱- _____ ، حلیه المتقین ، قم: انتشارات باقرالعلوم ، ۱۳۷۰ .

۵۲- نمازی شاهرودی ، علی ، مستدرک سفینه البحار ، تهران: قسم الدراسات الاسلامیه فی موسسه البعثه،

۱۴۱۰ق

۵۳- نراقی ، محمد مهدی ، جامع السعادات ، بیروت : موسسه الاعلمی للمطبوعات ، بی تا .

۵۴- ورام، مسعود بن عیسی ، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف به مجموعه ورام ، تهران: دارالکتب

الاسلامیه، بی تا .

۵۵- هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین ، کنز العمال ، چاپ اول ، بیروت : موسسه رسالت، ۱۹۷۹م

۵۶- _____ ، "آستانه مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها)" ، ش ۱۲، قم: فرهنگ کوثر، ۱۳۷۶ ه ش .

۵۷- www.beytoote.com ، مجموعه ای برای زندگی بهتر ، تازه های روانشناسی ، ۱۴/۱۰/۱۳۹۲

۵۸- www.andisheqom.com ، مرکز مشاوره موسسه امام خمینی (ره) ، جزوه مهمانداری، ۲۵/۱۰/۱۳۹۲.



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان همدان

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان

ضیافت در اسلام

استاد راهنما

سرکار خانم مریم شمخانی

استاد داور

جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر مصطفی رستمی

پژوهشگر

میترا آمری

۱۰۷

زمستان ۱۳۹۲

تحمیدیه

سپاس خداوندی را که حق ستایش بالاتر از حد ستایشگران است و نعمت
هایش فوق اندیشه ی شمارشگران .

ستایش می کنم خداوند را برای سپاس به احسانش و یاری می جویم از او به
انجام تکالیف حقوقش

سپاس او را گویم که تتمیم نعمتش جویم و راه تسلیم به عزتش پویم و برای
مصونیت از تباهی ها دست و دل از معصیتش شویم و از روی نیاز به کفایتش
یاری از او خواهیم .

تقدیم

تقدیم به پیشگاه پر نور ترین و با برکت ترین خانواده عالم و زندگی زیبای حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و حضرت امیرالمومنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) که لحظه به لحظه زندگی ایشان الگو و برنامه ای است سازنده برای ره پویان راه سعادت .

و تقدیم به همه خانواده های اسلامی و ایرانی که ضامن آرامش و آسایش برای فرزندان خویش می باشند و الگوی زیبا برای آینده فرزندان خویش.

تقدیر و تشکر :

با سپاس از پروردگار قادر و متعال

و با سپاس از خانواده عزیزم که در تمام مراحل زندگی یار و پشتیبانم بودند.

و با سپاس از تلاش های بی وقفه مدیریت محترم مدرسه علمیه الزهرا(سلام الله علیها) سرکار خانم عظیمی

و استاد گرامی سرکار خانم شمخانی (استاد راهنما) و سرکار خانم غیائی که گنجینه تجربیات و علوم

خویش را در اختیار این بنده حقیر قرار داده و مرا در ارائه این تحقیق یاری رساندند .

و تمامی اساتید و معلمانی که در طی دوره تحصیلی از علوم و اخلاق ایشان بهره ها جستیم .

و با تشکر فراوان از خانواده گرامی همسر و نیز همسر و فرزند گرامی ام که کاستی های مرا بر من می

بخشند و یار و یاور صمیمی برای گذراندن سختی هایم هستند . برای همه این عزیزان از خداوند متعال

سلامتی و سعادت و موفقیت روز افزون را آرزو می کنم

چکیده

تحقیقی که پیش روی شماست ضیافت در اسلام میباشد که نظر اسلام را در شیوه مهمانی رفتن و مهمانی دادن بررسی می کند و هدف از آن اجرای مهمانی به سبک پیامبر(صلی الله علیه و آله) وائمه اطهار می باشد که تاکید فراوانی بر آن داشته اند در این تحقیق سعی شده آداب مهمانی اسلامی بررسی شود و این که مهمان نوازی چه آثاری دارد و راههای ترویج مهمان نوازی چیست؟ امیدوارم با این تحقیق این سنت حسنه پیامبر ترویج بیشتری یابد و مهمانی ها با رعایت دستورات اسلامی رنگ و بوی اسلامی بگیرد و از مواهب دنیوی و اخروی ضیافت بهره مند شویم روش تحقیق توصیفی ،تحلیلی و کتابخانه ای میباشد از کلید واژه های این تحقیق میتوان به ضیافت، مهمان و صله رحم اشاره کرد و در آن از منابع مختلف اخلاقی و تفسیری استفاده شده است.